۲۳

گونه شناسی رفتار پیامبر اعظم با زنان

ناهید طیبی



بسم الله الرحمن الرحیم

گونه شناسی رفتار پیامبر اعظم صلی الله علیه و آله با زنان

نویسنده:

ناهید طیبی

ناشر چاپی:

مرکز پژوهشهای اسلامی صدا و سیمای جمهوری اسلامی ایران

ناشر دیجیتالی:

مرکز تحقیقات رایانه‌ای قائمیه اصفهان

فهرست

گونه شناسی رفتار پیامبر اعظم صلی الله علیه و آله با زنان

مشخصات کتاب

سرشناسه : طیبی، ناهید، ۱۳۴۲ -

عنوان و نـام پدیـدآور : گونه شناسـی رفتار پیامبر اعظم صـلی الله علیه و اله با زنان/ ناهیـد طیبی؛ [تهیه شـده در مرکز پژوهش های اسلامی صدا و سیما].

مشخصات نشر : قم: موسسه فرهنگی طه، کتاب طه: مرکز پژوهش های اسلامی صدا و سیما، ۱۳۸۶.

مشخصات ظاهری : ۹۵ ص.

فروست : با پیامبر صلی الله علیه واله؛ ۲۳.

شابک : ۱۰۰۰۰ ریال: ۹۶۴-۷۰۱۹-۹۲-۰

يادداشت : کتابنامه: ص.[۹۱] - ۹۵؛ همچنین به صورت زیرنویس.

موضوع : محمد (ص)، پیامبر اسلام، ۵۳ قبل از هجرت - ۱۱ق.رفتار با زنان

شناسه افزوده : صدا و سیمای جمهوری اسلامی ایران. مرکز پژوهشهای اسلامی

رده بندی کنگره : BP۲۴/۴۶/ط۹۳گ۹ ۱۳۸۶

رده بندی دیویی : ۲۹۷/۹۳

شماره کتابشناسی ملی : ۱۲۶۴۳۰۹

ص :۱

پیش گفتار

پیش گفتار

هر انسانی دارای یک نظام فکری و اعتقادی است که رفتارهای فردی و اجتماعی وی اعم از دینی و غیردینی بر اساس آن شکل می گیرد و تعریف می شود. همان گونه که بررسی نظام فکری افراد، ما را به بررسی دقیق رفتارهای آنان وامی دارد، بررسی رفتارهایشان نیز موجب شناخت نظام فکری و اعتقادی آنان می شود. ازاین رو، میان باورها و رفتارها رابطه ای تنگاتنگ و دو سویه وجود دارد و این ارتباط و هماهنگی را در رفتار انسان های برجسته و الگوهای کامل به روشنی می توان دید.

پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله، کامل ترین راهنمای بشر و آخرین پیام آور الهی است. ازاین رو، هماهنگی میان باورها، ایده ها و رفتارهای ایشان به روشنی در متون تاریخی و سیره مشهود است. بنابراین، بدون آنکه در این باره با تناقض یا ابهامی روبه رو شویم، می توانیم رفتار آن حضرت را تحلیل و بررسی کنیم. کتاب ها و آثار بسیاری درباره سیره نبوی نگاشته شده و حتی درباره زنانی که به نوعی با حضرت ارتباط داشته اند، آثاری منتشر شده است، ولی تاکنون اثری جامع به چاپ نرسیده است که به صورت اختصاصی، به تبیین رفتار پیامبر با زنان بپردازد. امیدواریم اثر حاضر که درصدد گردآوری، تحلیل و بررسی شیوه های رفتاری پیامبر اعظم صلی الله علیه و آله با زنان است، بتواند این خلأ را

پر کند و الگویی مناسب و کاربردی به برنامه سازان تربیتی ارائه دهد.

در این نوشتار، به گونه شناسی رفتار پیامبر اعظم صلی الله علیه و آله با زنان خواهیم پرداخت و هر «گونه» را جداگانه بررسی خواهیم کرد و به کمک احادیث و روایات صدر اسلام و زمان حیات پیامبر افزون بر شواهد و مستندات، به زوایای کم رنگ و حاشیه ای گزارش ها نیز خواهیم پرداخت. «اسوه حسنه» بودن رسول خدا صلی الله علیه و آله و جایگاه والای این راهنمای بشر که پایان بخش سلسله نبوت و کامل کننده رسالت است و همچنین ضرورت شناخت راهنمایان بشری و الگوگیری از آنان در ابعاد گوناگون، ضرورت این پژوهش را مشخص می کند. در حقیقت، نیاز بشر به الگو در مراحل مختلف زندگی از یک سو و فلسفه وجودی راهنمایان بشر به ویژه رسول خاتم از سوی دیگر، پرداختن به مبحث گونه شناسی رفتاری پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله را ضروری می سازد. آگاهی از چگونگی رفتار پیامبر با زنان و شناخت الگوی مناسب رفتاری و تبیین آن برای مردم، از اهداف این پژوهش به شمار می رود.

در کتاب های سیره، به صورت عام و غیرمستقیم به چگونگی رفتار پیامبر با زنان اشاره شده است. همچنین آثاری درباره زندگی زنان صحابه موجود است که با کمک این آثار می توان شیوه رفتاری پیامبر با زنان را تا حدودی شناخت. برخی از این آثار عبارتنداز:

۱. صحابیات حول الرسول

این کتاب، نوشته عبدالصبور شاهین و اصلاح عبدالسلام الرفاعی است و در آن به شرح حال زنان مهاجر، انصار و راوی حدیث پرداخته شده است. گرچه می توان از مطالب این کتاب، برخی شیوه های رفتاری رسول خدا صلی الله علیه و آله را

شناخت، ولی به طور خاص به شیوه های رفتاری پیامبر پرداخته نشده و بیشتر، سخنان آن حضرت بیان شده است. هدف نویسندگان این کتاب، معرفی زنان راوی احادیث پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و نیز زنان زمان آن حضرت است.(۱)

۲. النبی و المرأه(۲)

نویسنده این کتاب، سامیّه مینسی است. ولی در این اثر به شرح حال زنانی پرداخته شده که در زمان رسول الله صلی الله علیه و آله زندگی می کردند و با آن حضرت ارتباط داشتند. نویسنده در این نوشتار، به تناسب به برخی نمونه های رفتاری پیامبر با زنان اشاره کرده، ولی بیشتر توجه وی به زنان نزدیک به پیامبر معطوف است.

۳. اعلام النساء(۳)

این اثر عمر رضا کحاله به نوعی دایره المعارف زنان است. این کتاب به شرح حال زنان زمان رسول خدا صلی الله علیه و آله و پس از آن و حتی زنان عصرهای اخیر پرداخته و بیشتر به موارد کلی درباره شخصیت زنان مورد نظر اشاره کرده است و کمتر می توان شیوه رفتار پیامبر با زنان را در آن یافت.

۴. تراجم اعلام النساء

۱- این کتاب در دو جلد به وسیله مرکز نشر دارالاعتصام در قاهره به چاپ رسیده و به زبان عربی است.
۲- این کتاب به زبان عربی است و در قاهره به چاپ رسیده است.
۳- این کتاب را مؤسسه الرساله در بیروت چاپ کرده است.

این اثر به قلم رضوان دعبول نوشته شده و مانند کتاب اعلام النساء به طور عام به شرح حال زنان پرداخته است.

۵. المرأه فی العهد النبوی

این کتاب نوشته دکتر عصمه الدین کرکر است که در آن به بررسی رابطه پیامبر و زنان پرداخته و شرح حال زنانی را آورده است که از زمان تولد تا هنگام رحلت پیامبر به نوعی با ایشان در ارتباط بودند. بخش پنجم این کتاب تا حدودی به موضوع مورد بحث ما نزدیک است. با این حال، این کتاب نیز بیشتر به زنان و ارتباط آنها با پیامبر و خدماتشان به آن حضرت پرداخته و به شیوه رفتاری ایشان با زنان که مورد نظر ماست، اشاره مستقیمی نکرده است.

ص :۶

فصل اول: کلیات

اشاره

فصل اول: کلیات

زیر فصل ها

نمونه های رفتاری پیامبر اعظم صلی الله علیه و آله

زن در نگاه عصر جاهلی و عصر نبوی

نمونه های رفتاری پیامبر اعظم صلی الله علیه و آله

نمونه های رفتاری پیامبر اعظم صلی الله علیه و آله

پیش از ورود به بحث، به منظور معیاریـابی و تعیین و تبیین الگوهای مناسب رفتاری، به برخی از شـیوه های رفتاری پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله با مردم، اعم از زن و مرد، اشاره می کنیم:

۱. رسول خدا صـلی الله علیه و آله در دعوت مردم به اسلام، هیچ گاه از زور و اجبار استفاده نکرد، بلکه بر اساس «لا إِكْراهَ فِي الدِّينِ»(۱) برای جذب انسان ها از روش های عاطفی و اخلاقی بهره جست.

۲. پیامبر اعظم صـلی الله علیه و آله هرگز هیچ گونه سختی و مشقتی را بر تازه مسلمانان تحمیل نکرد و بر مبنای آسان گیری و مـدارا بـا آنـان رفتـار می کرد. اصـل «جَبّ» از جمله فرمول های کلامی پیامبر بود که با اسـتفاده از آن، تازه مسـلمانان را بیشتر جذب می کرد. بر اساس این اصل، هر آنچه فرد پیش از پذیرش اسـلام انجام داده بود، پس از مسلمان شدن، نادیده گرفته می شد: «اِنَّ

۱- نک: بقره: ۲۵۶.

الْإِسلاَمَ يَجُبُّ ما قَبْلَهُ.»(۱) همچنین آنچه افراد پیش از هجرت انجام داده اند، از دوش آنها برداشته می شد و نیازی به قضای عبادات نداشتند: «أَلْهِجْرَهُ تَجُبُّ ما قَبْلَها».(۲)

۳. حضرت محمد صلی الله علیه و آله همیشه خیرخواه دیگران بود و هیچ گاه بد دیگران را نمی خواست. حتی در جنگ ها، مسلمانان را به رفتار درست با دشمنان سفارش می کرد. برای مثال، در نبرد خیبر به سپاهیانش فرمود:

هرگز آرزوی رویارویی با دشمن را نداشته باشید. آنان نمی دانند چه بر سرشان می آید. پس وقتی وارد میدان نبرد شدید، بگویید: بارالها! تو پروردگار ما و آنها (دشمنان) هستی و تقدیر ما و آنان به دست توست. تو آنان را به دست ما می کشی، ولی ما آرزو نداریم آنها را بکشیم. پس از تو می خواهیم کار امروز به خوبی به پایان برسد. سپس بر روی زمین بنشینید و اگر آنها جنگ را آغاز کردند، برخیزید و بجنگید.(۳)

از سفارش های پیامبر درباره آغاز نکردن جنگ و شیوه برخورد با دشمنان درمی یابیم که ایشان روحیه جنگ جویی و جنگ طلبی نداشت و برای هدایت مردم و جای گزین کردن حق به جای باطل و دفاع از خود و آیینش مجبور به

ص: ۸

۱- احمد بن محمد بن خالد برقی، المحاسن، ترجمه: جلال الدین حسینی، بی جا، دارالکتب الاسلامیه، بی تا، ج ۱، ص ۱۲۶.
۲- احمد بن حنبل، المسند، بیروت، دار صادر، بی تا، ج ۴، ص ۱۹۹؛ احمد بن شعیب النسایی، سنن النسایی، بیروت، دارالفکر، ۱۳۴۷ه . ق، ج ۹، ص ۱۲۳.
۳- صالحی شامی، سبل الهدی، تحقیق: شیخ عادل عبدالموجود، بیروت، دارالکتب العلمیه، ۱۴۱۴ه . ق، ج ۵، ص ۱۸۷.

جنگ می شد. پیامبرخدا و یارانش هرگز شبانه به قومی حمله نمی کردند و به اخلاق جنگ بسیار پای بند و از کینه توزی بیزار بودند.

۴. رفتار پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله با اهل کتاب و حتی مخالفان اسلام نیز همواره با دل سوزی و شفقت همراه بود و افزون بر دعای مستمر برای هدایت آنان، با گفتار و رفتاری سرشار از عاطفه، آنها را به سوی خود جذب می کرد.

۵. رسول خدا صلی الله علیه و آله اصل رفتار را بر نرمی و مدارا با مردم می گذاشت و دیگران را نیز بدان سفارش می کرد. ایشان هنگام فرستادن معاذ بن جبل به صنعا برای دعوت اهل یمن به اسلام فرمود: «[بر مردم] آسان بگیر و سخت گیری مکن. بشارت ده و نومید مگردان. بر تو باد مدارا کردن».(۱)

همچنین چگونگی تقسیم غنایم در جنگ ها، نشان دهنده مصلحت اندیشی و عدالت ورزی پیامبر خداست.

وقتی مردم مکه گرفتار خشک سالی شده بودند، رسول اکرم صلی الله علیه و آلهبخشی از غنایم خیبر را برای بزرگان مکه _ که دشمنان اصلی مسلمانان بودند _ فرستاد تا آن را میان مردم تقسیم کنند. البته صفوان بن امیه و سهیل بن عمرو نپذیرفتند، ولی ابوسفیان، این بخشش پیامبر را به عنوان صله رحم پذیرفت و برخی مشکلات قریش را با آن رفع کرد.(۲) پیامبر بخشی از غنایم جنگ خیبر را نیز به عنوان هدیه به زنان بخشید که در بخش های آینده به آن اشاره

ص: ۹

۱- علی بن ابی کرم ابن اثیر، اسد الغابه، مؤسسه اسماعیلیان، تهران، بی تا، ج ۳، ص ۳۲۶.

۲- ابن واضح یعقوبی، تاریخ یعقوبی، قم، موسسه نشر فرهنگ اهل بیت علیهم السلام، بی تا، ج ۲، ص ۵۶.

خواهیم کرد.

۶. مبنای رفتاری پیامبر اعظم صلی الله علیه و آله بر اساس «عفو» و بالاتر از آن «صَفْح» بود. این رفتار به روشنی در سیره ایشان مشهود است. پیش از فتح مکه، خون ده نفر (شش مرد و چهار زن) از مفسدان و ستم کاران مکه مباح شمرده شد، ولی پس از فتح مکه برخی از آنها به بهانه های گوناگون از سوی پیامبر بخشیده شدند.(۱) حتی هند، دختر عتبه که به «هند جگرخوار» معروف بود و ساره آوازه خوان که ضربه های فراوانی به روند گسترش اسلام زدند، عفو شدند.

شعار مسلمانان هنگام ورود به مکه مکرمه «أَلْیَوْمُ یَوْمُ الْمَلْحَمَهِ؛ امروز روز انتقام است» در روز فتح مکه و تغییر آن ازسوی پیامبر به «أَلْیَوْمُ یَوْمُ الْمَرْحَمِهِ؛ امروز روز رحمت و بخشایش است»،(۲) بهترین گواه برای رفتار مهرآمیز پیامبر با مردم است.

پیامبر هنگام فتح مکه، عفو عمومی اعلام کرد و خطاب به مردم مکه فرمود: «درباره من چگونه می اندیشید و گمان می کنید چگونه با شما رفتار می کنم؟» مردم گفتند: گمانی جز خیر و خوبی نداریم. آن گاه پیامبر خدا فرمود: «من آنچه را برادرم یوسف به برادرانش گفت، به شما می گویم: امروز هیچ سرزنشی بر شما روا نمی دارم و خداوند، آمرزنده و بخشنده ترین

۱- همان، ج ۲، ص ۸۲۵؛ محمد بن اسحاق ابن هشام، سیره النبی، تحقیق: محمد محیی الدین عبدالحمید، مکتبه علی محمد صبیح و اولاده، ۱۳۸۳ هـ. ق، ج ۴، صص ۸۶۸ و ۸۶۹.

۲- سیره النبی، ج ۴، ص ۸۶۵؛ محمد بن جریر، طبری، تاریخ الامم و الملوک، تحقیق: لجنه من العلماء الاجلا، بیروت، مؤسسه الاعلمی، بی تا، ج ۲، ص ۳۳۴.

بخشایش گران است».(۱)

۷. شکیبایی و بردباری رسول خدا صلی الله علیه و آله در برابر رفتارهای نادرست برخی همسرانش و نیز تحمل رنج و مشقت برخاسته از آداب جاهلی شماری از مسلمانان، موجب نزول آیات بسیاری شد.

بنا بر آنچه گفته شد، نمونه های رفتاری پیامبر اعظم صلی الله علیه و آله به طور عمومی عبارت است از:

۱. استفاده نکردن از اجبار و اکراه در برنامه های تبلیغی؛

۲. استفاده از اصل مدارا و آسان گیری در امر دعوت مردم به اسلام؛

۳. توجه ویژه به اصل عفو و صفح (بخشایش بدون سرزنش) و در صورت ضرورت، استفاده از اصل قاطعیت؛

۴. دادن فرصت به خطاکاران و از بین بردن عوامل انحراف؛

۵. افشاندن بذر مهر و دوستی میان مسلمانان و سفارش به صداقت و رفاقت در رفتارها؛

۶. هماهنگی سیره و سخن پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله در سراسر زندگی.

۱- نک: یوسف: ۹۲.

زن در نگاه عصر جاهلی و عصر نبوی

زن در نگاه عصر جاهلی و عصر نبوی

بررسی رفتار و شخصیت افراد و نوع عملکرد آنها در دوره خاص زمانی با در نظر گرفتن فضای حاکم و اندیشه غالب آن زمان، واقع گرایانه تر است، به گونه ای که بدون توجه به این نکته نمی توان فردی را جدا از موقعیت سیاسی، تاریخی و جغرافیایی زمانش بررسی کرد. ازاین رو، بررسی جایگاه زن در عصر جاهلی، به منظور مقایسه آن با زن عصر نبوی و تطبیق رفتارهای جاهلی با زنان و رفتار پیامبر اعظم صلی الله علیه و آلهبا آنان، امری اجتناب ناپذیر است. در عصر جاهلیت هیچ محدودیتی برای تعدّد زوجات وجود نداشت. زنان و دختران از ارث محروم بودند و جزو نسل به شمار نمی آمدند؛ یعنی اگر مردی ده ها دختر نیز داشت، باز از وی با تعبیر «لا عَقِبَ لَهُ» یاد می شد. دختران و زنان هیچ گونه استقلال و حقوق مادی و معنوی نداشتند و همواره به پدران و همسران خویش وابسته بودند. در چنین وضعیتی، محدود ساختن تعدد زوجات به چهار زوج و تقسیم ارث میان پسر و دختر به صورت دو بر یک بسیار ارزشمند و ستودنی است.(۱)

بنابراین، تنها در صورتی می توان به تجزیه و تحلیل رفتار پیامبر با زنان پرداخت که از جایگاه زن در عصر جاهلی آگاه باشیم. در عصر جاهلیت،

۱- نک: عبدالحلیم ابوشقه، تحریر المرأه فی عهد الرساله، کویت، دارالقلم، چ ۱، بی تا.

دختران زنـده به گور می شدنـد، به گونه ای که کثیره دختر ابوسـفیان، با دست خود چهار نوزاد دخترش را زنده به گور کرد. وی پس از ظهور اسلام، برای آرامش وجدان خود نزد پیامبر آمد و به این عمل ناشایست خود اعتراف کرد.(۱)

بنـا بر روایات تاریخی، زنان در عصـرجاهلیت، برای پسـرانشان به ارث گذاشـته می شدنـد. در حقیقت، زن تا پیش از ازدواج، تـابع پـدر و خواسـته هـای او بود. وی در امر ازدواج و انتخاب همسـر هیـچ گونه اختیاری از خود نـداشت. پس از ازدواج تابع همسر و تحت مراقبت شدید او قرار می گرفت و از همسر نیز همانند پدر ارث نمی برد. شکنجه، ضرب و جرح و آزار زنان در این عصر مرسوم بود و در صورت مرگ همسر، زن، برای پسرش به ارث گذاشته می شد.

پس از ظهور اسـلام، زنـان هویت سیاسـی ـ اجتماعی و مهم تر از آن، هویت و اسـتقلال فردی پیـدا کردنـد، به گونه ای که با پیامبر اکرم صـلی الله علیه و آله بیعت کردند(۲) و همراه و پابه پای مردان به دفاع از آرمان های اسـلام پرداختنـد. آنها پس از اسـلام از آزادی عمل و استقلال بهره مند شدند و توانستند شریعت و دین خود را آزادانه انتخاب کنند و از پدر، همسر و حتی پسرانشان ارث ببرند. زن در شریعت مقدس اسلام، از نظر ماهیت و هویت با مرد یکسان

۱- اسد الغابه، ج ۵، ص ۳۱۵.

۲- نک: ممتحنه: ۱۲.

است: «یـا أَیُّهَـا النّاسُ إِنّا خَلَقْناکُمْ مِنْ ذَکَرٍ وَ أُنْثی؛ و همچون مردان با دو عنصـر ایمان و عمل صالـح ارزش گـذاری می شود». (حجرات: ۱۳)

همچنین خداونـد فرموده است: «مَنْ عَمِـلَ صالِحًـا مِنْ ذَکَرٍ أَوْ أُنْثی وَ هُوَ مُؤْمِنٌ فَلَنُحْیِیَنَّهُ حَیـاهً طَیِّبَهً؛ هر کس از مرد یـا زن عمل صالحی انجام دهد در حالی که مؤمن است، به راستی او را زندگی پاک دهیم.» (نحل: ۹۷)

زن و مرد از پـاداش یکسـانی برخوردارنـد: «فَاسْـتَجابَ لَهُمْ رَبُّهُمْ أَنّی لا أُضِـیعُ عَمَـلَ عامِلٍ مِنْکُمْ مِنْ ذَکَرٍ أَوْ أُنْثی بَعْضُـکُمْ مِنْ بَعْضٍ؛ پس پروردگارشان خواسته آنها را پاسخ داد که من عمل هیچ عمل کننده ای از شـما را مرد باشد یا زن، تباه نسازم که شما هم نوع هم هستید». (آل عمران: ۱۹۵)

در دوران جـاهلیت، سـرپرستی کودکـان و کسانی که از اداره زنـدگی خود ناتوان بودنـد (ماننـد دیوانگان) و همچنین زنان بر عهـده مردان بود و زنـان کاملاًـ از حق ولایت محروم بودنـد.(۱) بر این اسـاس، زنـان در ردیف کودکـان و دیوانگـان قرار می گرفتنـد. در این دوران، سـرپرستی زنی که همسـرش را از دست داده بود، به پسـرش واگـذار می شد، به گونه ای که زن نمی توانست بـدون موافقت وی ازدواج کنـد. زن نمی توانست سـرپرستی دخـتران و حتی فرزنـدان دیوانه خود را بر عهـده بگیرد و سرپرستی آنهـا به یکی از مردان قبیله سپرده می شـد. در مقابل، اسـلام در ازدواج، حق انتخاب به زن بخشـید، چنان که بـدون موافقت وی عقد ازدواج باطل می شد. همچنین آنها می توانستند پس از مرگ

۱- ابراهیم فوزی زیفا، احکام الاسره فی الجاهلیه و الاسلام، دمشق، دار طلاس، ۱۹۹۶ هـ . ق، چ ۲، ص ۶۹ .

همسرانشان، سرپرستی فرزندان خود اعم از دختر و پسر را بر عهده بگیرند.

احکـام ارث، ازدواج و طلاق زنـان نیز پس از ظهـور اسـلام تغییر فراوانی کرد. زن در زمـان جـاهلیت از حـق ارث، مهریـه و مـالکیت محروم بود و تنهـا از حق دریـافت نفقه از همسـرش برخوردار بود. در مقابل، دین مبین اسـلام به زن، حق ارث، نفقه، مهریه و مالکیت مسـتقل از مرد را بخشید تا وی بدون هیچ دغدغه ای در خانه به تربیت فرزندان و اداره خانه بپردازد.(۱) یکی دیگر از موارد دفاع از حقوق زنان و ارزش دهی به آنان، حفظ حرمت آنان از سوی پیامبر خداست.

اکنون که با شـیوه های رفتاری با زنان در دوران جاهلیت آشنا شدیم، می توانیم رفتار پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله با زنان و نیز برنامه ها و اهداف تربیتی اسلام را درباره آنان بهتر بررسی کنیم.

۱- نک: همان، ص ۱۰۲.

فصل دوم: رفتار پیامبر اعظم صلی الله علیه و آله با دختران

اشاره

فصل دوم: رفتار پیامبر اعظم صلی الله علیه و آله با دختران

رفتار پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله با دختران خردسال، نوجوان و جوان از یک سو، منشأ عاطفی داشت و از «خُلق عظیم» آن حضرت سرچشمه می گرفت و از دیگر سو، صبغه اجتماعی ــ تربیتی داشت و نوعی مبارزه با فرهنگ خشونت بار جاهلی و افکار غلط مردم شبه جزیره عربستان بود. نگاه تحقیرآمیز اعراب به دختران و برخورد نادرست با آنها و زنده به گور کردن آنان چنان زشت و غیرمنطقی بود که در قرآن کریم به جزئیات این رفتار و زشتی آن اشاره شده است. در آیه ای از قرآن می خوانیم:

وَ إِذا بُشِّرَ أَحَدُهُمْ بِالْأُنْثی ظَلَّ وَجْهُهُ مُسْوَدًّا وَ هُوَ كَظیمٌ، یَتَواری مِنَ الْقَوْمِ مِنْ سُوءِ ما بُشِّرَ بِهِ أَیُمْسِكُهُ عَلی هُونٍ أَمْ یَدُسُّهُ فِی التُّرابِ أَلا ساءَ ما یَحْكُمُونَ. (نحل: ۵۸ و ۵۹)

و هرگاه یکی از آنان را به دختر[دار شدن] مژده می دادند، چهره اش از خشم سیاه می گشت، در حالی که خشم [و اندوه]خود را فرو می خورد و از بدی آنچه به او بشارت داده شده بود، از قبیله [خود] روی می پوشاند. آیا او را با خواری نگاه دارد یا در خاک پنهانش کند؟ وه چه بد داوری می کنند.

خداوند در قرآن کریم، از تولد نوزاد دختر با واژه «بُشِّرَ» به معنای مژده و خبرخوش سخن گفته است تا ارزش ها و افکار نادرست جاهلیت را تغییر دهد. سیره پیامبر اعظم صلی الله علیه و آله نیز بر مبنای همین آیه شریفه است و نشان دهنده توجه ویژه آن حضرت به ماهیت انسانی افراد است، نه جنسیت و طبقات اجتماعی آنان. زنده به گور کردن دختران در برخی قبایل عرب، به

ارث گذاشتن زنان و بی توجهی به نیازهای فطری آنان از نمونه های برجسته تبعیض جنسیتی در عصر جاهلی بود. پیامبر خدا با سیره و سخن خویش به مبارزه مستقیم و غیرمستقیم با این افکار و آداب و رسوم غلط پرداخت.

هدیه دادن به دختران

هدیه دادن به دختران

هـدیه دادن یکی از رفتارها و سـیره های نیکوی پیامبر بود. ایشان بارها تأکیـد می کرد که در هـدیه دادن بین فرزنـدان عدالت برقرار کنید. روایت نعمان بن بشیر تأییدکننده مطلب یاد شده است. او می گوید: «پدرم هدیه ای به من عطا کرد. مادرم، عُمَره دختر رواحه گفت: باید رسول خدا صـلی الله علیه و آلهبه این بخشـش رضایت دهد. پدرم نزد رسول خدا صـلی الله علیه و آله آمـد و گفت: به پسـرم چیزی بخشـیدم و مادرش به من دسـتور داد که بایـد رسول خدا صـلی الله علیه و آله به این امر رضایت دهد. رسول اکرم صـلی الله علیه و آله فرمود: آیا به دیگر فرزندانت هدیه بخشیده ای؟ پدرم گفت: نه. فرمود: از خدا بترسید و میان فرزندان به عدالت رفتار کنید».(۱)

از مجموع سخنان آن حضرت درمی یابیم که فرهنگ هدیه دادن از رفتارهای بسیار پسندیده تربیتی است. البته باید به شرایط و آثار آن توجه داشت تا همین فرهنگ مثبت به علت بی توجهی به جنبه های گوناگون آن و

۱- ۱.محمد بن اسماعیل بخاری، صحیح البخاری، ج ۳، ص ۳۱۹.

گذاشتن اثر منفی بر افرادی که مورد تبعیض و بی مهری شده اند، عامل ضد تربیتی تبدیل نشود.

افزون بر سیره رسول اکرم صلی الله علیه و آله در مورد هدیه دادن به فرزندان، آن حضرت در سخنان خود نیز به تبیین این سیره و رفتار می پرداخت و مسلمانان را به برتری بخشیدن دختران بر پسران در هدیه دادن امر می کرد. در روایتی می خوانیم که رسول خدا صلی الله علیه و آله فرمود:

در بخشش میان فرزندان خود، برابری را مراعات کنید. اگر من می خواستم فرزندانی را برتری دهم حتما آنها دختران بودند.(1)

همچنین زینب تمیمی در مورد رسول خدا صلی الله علیه و آله می گوید:

رسول خدا صلی الله علیه و آله نمی پسندید که در بخشیدن هدیه پسران بر دختران برتری داده شوند.

شاید عدالتی که در جمله «اِعْدِلوا بَینَ اَولادِکُمْ فِی الْعَطیَّهِ(2)» توصیه شده است، به در نظر گرفتن شأنیت و موقعیت آنها اعم از سن، جنسیت، علایق و ویژگی های جسمانی آنان اشاره کند؛ زیرا «عدل» در لغت به معنای قرار دادن هر چیز در جای خود است (وضعُ الشی ء فی موضعه)، نه به معنای یکسان عمل کردن. بدیهی است علایق فرزندان _ اعم از دختر و پسر _ متفاوت است و هدایا باید متناسب با نیازها و علایق آنان انتخاب شود و این همان

۱- نورالدین هیثمی، مجمع الزوائد، دارالکتب العلمیه، بیروت، ۱۴۰۸ق، بخاری، التاریخ الصغیر، دارالمؤنه، بیروت، ۱۴۰۶ق، ج ۲، ص ۲۸۲.

۲- ابن عبدالبر الاندلسی، استیعاب، دارالفکر، بیروت، ۱۳۸۱ق، ج ۴، ص ۱۸۵۹..

عـدالتی است که مورد نظر رسول خـداست. بنابراین، با توجه به این فرهنگِ اثر گـذار در هدیه دادن، دختران و زنان نسـبت به پسـران و مردان برتری داده می شونـد؛ زیرا ویژگی های روحی و روانی آنان به گونه ای است که هـدیه و ابراز عشق و محبت به آنان از طریق اعطای هدایا بسیار مؤثر است و موجب آرامش روحی و روانی آنان می شود.

روایت های بسـیاری درباره هدیه دادن پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله به دختران نقل شده است. این امر نشان دهنده توجه آن حضـرت به نیازهـای عـاطفی و روانی دختران است. از عایشه نقل شـده است روزی گردن بنـدی به پیامبر هـدیه داده شـد. آن حضـرت فرمود: «این گردن بنـد را به فردی از خـانواده ام می دهم که وی را بیشتر [از دیگران] دوست دارم.» اهـل خانه گمان کردند پیامبر هدیه را به من خواهد داد، ولی ایشان گردن بند را به گردن امامه، دختر زینب؛ یعنی نوه خویش آویخت و به وی محبت کرد.(۱) در روایت دیگری آمده است که پیامبر هدیه نجاشـی، پادشاه حبشه را نیز به امامه بخشید و فرمود: «تُحلّی به یا بُنَیَّهَ؛ خودت را با آن آراسته کن».(۲)

۱- طبقات الکبری، ج ۸ ، ص ۴۰؛ ابن ابی شیبه الکوفی، المصنّف، دارالفکر، بیروت: ۱۴۰۹ه_ . ق، ج ۶ ، ص ۶۵ .

۲- محمد بن احمد ذهبی، اسماء الصحابه، بیروت، دارالمعرفه، للصناعه و النشر، بی تا، ج ۲، ص۲۹۴.

در کتاب های تاریخی و سیره، روایت های بسیار دیگری درباره هدیه دادن پیامبر به دختران موجود است که نشان دهنده توجه ویژه پیامبر به وضعیت روحی دختران و اثر هدیه بر روح و روان آنان است.

نقل شده است که پارچه حریری را برای پیامبر هدیه آوردند. ایشان دستور داد پارچه را به چهار قسمت تقسیم کنند و به فواطم (فاطمه بنت اسد، فاطمه زهرا صلی الله علیه و آله، فاطمه دختر حمزه بن عبدالمطلب و فاطمه دیگری که نَسَب وی در گزارش ها بیان نشده است)(۱) بدهند. این رفتار پیامبر و قرار دادن دختر حمزه در سطح زنان بزرگ و شریفی چون فاطمه بنت اسد و فاطمه زهرا علیهاالسلام موجب تقویت حس اعتماد به نفس و عزت نفس وی شد و درد تنهایی و غربت از دست دادن پدر را برای وی تحمل پذیر کرد.

توجه پیامبر به دخترانی که در شرایط ویژه صدر اسلام می زیستند و همراه خانواده خویش رنج بسیاری را تحمل می کردند، در کتاب های تاریخی و سیره دیده می شود. یکی از این موارد، اَمَه، دختر خالد بن سعید بن عاص بود که پس از هجرت پدر و مادرش به حبشه، در آنجا به دنیا آمد و در سختی های دوران هجرت، رشد و زندگی کرد. کنیه اَمَه، ام خالد است. وی نقل می کند که روزی جامه هایی برای پیامبر هدیه آوردند. در میان هدیه ها، لباس کوچکی از خَز یا پشم بود. پیامبر با دیدن این لباس دخترانه دستور داد که مرا نزد ایشان ببرند. آن حضرت لباس را با دست خود به من پوشاند و

۱- احمد بن عبدالله ابو نعیم اصفهانی، معرفه الصحابه، تحقیق: عادل یوسف العزازی، ریاض، دارالوطن للنشر، ۱۴۱۹ه . ق، چ ۱، ج ۶، ص ۳۴۱۰.

فرمود: «به خوبی و خوشی این لباس را فرسوده و کهنه کنی.» سپس به طراز جامه که زرد و قرمز بود، نگریست و با زبان حبشی، دوبار فرمود: «این لباس زیباست، ام خالد.»(۱) این سخن پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله نشان دهنده صمیمیت و دوستی حضرت با ام خالد است.

دادن هدایا و غنایم به زنان و دخترانی که در مداوای مجروحان و فعالیت های پشت جبهه نقش داشتند، یکی دیگر از روش های تربیتی پیامبر اکرم صلی الله علیه و آلهبود. از امُ علی بنت حَکم، در مغازی آمده است: «اُمیّه دختر قیس بن ابی صلت غفاری، از دختران جوان مدینه بود که هنوز به بلوغ جسمی نرسیده بود. او در ماجرای نبرد خیبر از پیامبر خواست که همراه آن حضرت برود و در مداوای مجروحان و امور پشت جبهه، یاری گر سپاهیان اسلام باشد. پیامبر خدا با عبارت «عَلی بَرکهِ الله» وی و برخی دیگر از زنان بنوغفار را پذیرفت و به آنها اجازه همراهی با سپاه اسلام را داد. آن گاه پیامبر پس از فتح خیبر، از غنایم، گردن بندی را به امیه داد و او را تکریم کرد».(۲)

توجه و دقت پیامبر به عنوان رهبر سیاسی و فرمانده کل نظامی به وضعیت روحی و عاطفی زنان و دختران جوان به ویژه در شرایط جنگ، به نظر امری عجیب است، ولی از آنجا که پیامبر پیش از اینکه یک سیاست مدار و فرمانده نظامی باشد، رهبر دینی و حاکم شریعت است و به اقتضای حال و

۱- طبقات الکبری، ج ۸، ص ۲۳۴.

۲- نک: محمد بن عمر الواقدی، مغازی، نشر دانش اسلامی، بی جا، ۱۴۰۵ه_ . ق، ج ۲، ص ۶۸۶ .

وضع موجود، به وادی جنگ کشیده شده است، چنین رفتاری از ایشان، نباید دور از انتظار باشد. رفتار آگاهانه و آمیخته با آرامش حضرت با دختران جوان، می تواند الگوی رفتاری مناسبی برای خانواده ها باشد.

یکی دیگر از نمونه های رفتاری پیامبر با دختران جوان به این شرح است که فارعه، کبشه و صبّه، دختران زراره پس از مرگ پدرشان در سایه حمایت رسول خدا صلی الله علیه و آله زندگی می کردند و در کنار دختران و نوادگان پیامبر بزرگ شدند. در روایت های گوناگونی آمده است که پیامبر خدا با گوشواره های طلا آنها را زینت می کرد و با آنان رفتاری مهرآمیز و پدرانه داشت. ابن سعد درباره رفتار پیامبر با این دختران یتیم و بی سرپرست می نویسد: «عادت رسول خدا صلی الله علیه و آلهاین بود که با گوشواره هایی (زیورهایی) از طلا، این دختران را می آراست».(۱)

نکته ای که از این روایت درمی یابیم، تعیین نوع هدیه به تناسب سن، جنسیت و نیازهای طبیعی است. رسول خدا صلی الله علیه و آله به دختران و زنان، بیشتر اشیای زینتی و لباس و در برخی موارد نیز عطر هدیه می داد. آن حضرت بارها در سخنان خود بر هدیه دادن یا سوغات آوردن عطر برای دختران و زنان تأکید کرده است.

شناخت ویژگی های زنان و جلوه های روان شناختی آنان، میزان اثرگذاری دادن این گونه هدایا را مشخص می کند. بر اساس آنچه گفته شد، به اهمیت

۱- طبقات الکبری، ج ۸، ص ۴۴؛ اسد الغابه، ج ۵، ص ۴۶۲.

توجه به دختران و هـدیه دادن به آنـان برای حفظ نجابت، عفت و پاکی آنان می توان پی برد. شـیوه های رفتاری پیامبر در این باره، الگوی مناسبی برای پدران و مادران و مربیان تربیتی خواهد بود.

دادن حق انتخاب همسر به دختران و زنان

دادن حق انتخاب همسر به دختران و زنان

ازدواج، پیونـد مقدسـی است که شالوده اجتماع انسانی بر پایه آن شـکل می گیرد. ازاین رو، رضایت زن و مرد در این پیمان، ضروری است و اسـلام با صـدور احکامی، این رضایت دو سویه را شـرط درستی این پیونـد قرار داده است. چنان که بیان شد، در عصـر جـاهلی، مردان، خود را مالـک همسـران و دخترانشـان می دانسـتند و به چشم کالا به آن نگاه می کردنـد. ازاین رو، بـدون رضـایت دختران، آنهـا را به ازدواج فرد دل خواه خود درمی آوردنـد. پس از ظهور اسـلام، این کـار، نـادرست و باطل شمرده شد.

از ابن عبـاس روایت شـده است که پـدری قصـد داشت دختر خود را به اجبـار و بـدون رضـایت وی به ازدواج مردی درآورد. پیـامبر بـا شـنیدن این خبر نزد آنهـا رفت و به دختر اجـازه داد همسـر آینـده خود را انتخاب کنـد و پـدر را از انجام این ازدواج اجباری نهی کرد.(۱) در برخی روایت ها آمده است که زن بیوه ای(۲) به خواست پدر، به ازدواج با مردی مجبور شده بود که پیامبر در این

۱- مسند احمد، ج ۱، ص ۲۷۳؛ خطیب بغدادی، تاریخ بغداد، ج ۸، ص ۸۸.

۲- علی بن عمر الـدار القطنی، العلـل الـوارده فی احـادیث النبـویه، تحقیـق محفوظ الرحمن زین الله اسـلفی، ریـاض، دارالطیبه، ۱۴۰۵ ه_ . ق، ج ۹، ص ۲۷۴.

مورد نیز انتخاب همسر را به خود زن سپرد.

از دیگر نمونه های ازدواج اجباری، ازدواج خَنْساء، دختر خِذام انصاری است. برخی مانند ابن مبارک به نقل از عبدالله بن یزید بن ودیعه، خنساء را باکره و برخی چون مالك و ابن عبدالبرّ وی را زنی بیوه دانسته اند.(۱)

ابن سعد نیز خنساء را همسر اُنیس بن قتاده دانسته که در احد به شهادت رسیده است. پس از شهادت انیس، پدر خنساء وی را به اجبار به ازدواج مردی درآورد. خنساء نزد پیامبر رفت و گفت: پدرم به اجبار مرا به ازدواج مردی درآورده در حالی که عموی فرزندم، دل خواه و محبوب من است. پیامبر پس از شنیدن سخن زن، حق انتخاب همسر را به او واگذار کرد تا خنساء فرد مورد علاقه اش را به همسری برگزیند.(۲)

پیامبر اعظم صلی الله علیه و آله به دختران و زنان حق انتخاب همسر دلخواهشان را می داد، ولی زمینه های مشورت و انتخاب آگاهانه را نیز برای آنان فراهم می آورد. ایشان دختران و زنان را برای انتخابی صحیح راهنمایی می کرد و آنها برای مشورت با پیامبر نزد ایشان می آمدند.

روزی فاطمه، دختر قیس نزد پیامبر آمد و درباره انتخاب ابومعاویه یا ابوجهم برای همسری خود با آن حضرت مشورت کرد. پیامبر در پاسخ وی فرمود: «با اُسامه ازدواج کن که در ازدوج با او خیر است.» و با تکرار این سخن به

۱- ابن عبدالبرّ الاندلسی، استیعاب، بیروت، دارالفکر، ۱۳۸۱، ج ۴، ص ۱۸۲۶.
۲- طبقات الکبری، ج ۸، ص ۴۵۶.

ازدواج با اُسامه تأکید کرد. فاطمه با اینکه به ازدواج با اسامه تمایلی نداشت، پس از تأکید پیامبر بر این ازدواج و خیر بودن آن به همسری اسامه در آمد.(۱) نقل است که فاطمه بنت قیس هنگام ازدواج با اُسامه، زنی مطلّقه بود.(۲)

در روایت ها آمده است که رسول خدا صلی الله علیه و آله عُماره را به عقد پسرخوانده اش، سَلَمه بن ابی سلمه درآورد و در خطبه عقد، عماره را با عنوان «دختر برادر رضاعی ام» خطاب کرد.(۳) بنا بر روایات، این ازدواج پس از مشورت با عماره و رضایت کامل وی صورت گرفت. در این ازدواج که با درایت پیامبر انجام شد، نکته های اخلاقی مهمی وجود دارد:

سلمه، پسر ام سلمه موقعیت اجتماعی بسیار خوبی در میان مسلمانان داشت. ازاین رو، پیامبر برای تعظیم و تکریم حمزه سیدالشهدا و دخترش، وی را به عقد سلمه درآورد. پیامبر پیش از ازدواج، رضایت عماره را جلب کرد و به صلاح دید خویش بسنده نکرد. رسول خدا صلی الله علیه و آله با به کار بردن جمله های عاطفی و انتساب عماره به خود، جایگاه وی را محکم و خلأ روحی و روانی اش را برطرف ساخت.

۱- احمد بن حسین بیهقی، سنن الکبری، دارالفکر، بیروت، بی تا، ج ۳، ص ۲۲۷.

۲- علاءالدین علی بن بلبان فارسی، صحیح ابن حبان بترتیب ابن بلبان، تحقیق: شعیب الارنوؤط، مؤسسه الرساله، ۱۴۱۴ هـ . ق، چ ۲، ج ۹، ص ۳۵۶.

۳- طبقات الکبری، ج ۸، ص ۱۶۰.

ارث دختران

ارث دختران

یکی از احکـام تبعیض آمیز و ناعادلانه عصـر جـاهلی، محروم مانـدن دخـتران و زنـان از ارث بـود. در دوران سـیاه جـاهلیت، فرزنـدان دختر جزو نسـل و به اصـطلاح عرب «عقب» به شـمار نمی آمدنـد. اگر مردی تعـداد زیادی دختر داشت، باز در «علم انساب» وی را بـدون نسل و ابتر می خواندنـد، چنان که رسول خدا صـلی الله علیه و آله را نیز با وجود داشـتن چهار دختر، ابتر می دانسـتند. در فرهنگ اسـلامی، نه تنها وجود دختر نادیـده گرفته نشـد، بلکه در قرآن از وی به عنوان «کوثر» (خیر کثیر) یاد شـد. نزول سوره کوثر یکی از راه هـای مبـارزه فرهنگی اسـلام بـا انـدیشه های جاهلی اعراب درباره دختران بود که تغییر باور اعراب را در پی داشت.

در روایات آمده است که پس از شـهادت سـعد بن ربیع در جنگ احد، همسـر و فرزندانش به سـختی زندگی می کردند. این امر، پیامبر را بسیار ناراحت و آزرده خاطر ساخت. ازاین رو، برای نزول آیاتی که از مشکلات این خانواده و مانند آنها بکاهد، دعا کرد.

جابر بن عبدالله انصاری می گوید: «روزی پس از ادای نماز صـبح از شـهدای احد و از جمله سعد بن ربیع یاد کردیم. سپس به امر پیـامبر، به همراه بیست نفر از اصـحاب برای دیـدن خانواده سـعد بن ربیع به خانه اش رفتیم. در خانه او حصـیری پهن بود و اهل خانه با سختی و فقر زندگی می کردند.

پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله درباره سعد و فضایل او سخن گفت. آن گاه همسر سعد گفت: ای رسول خدا! پس از شهادت سعد، برادرش آمد و آنچه را از وی باقی مانده بود، گرفت و برد. این دو دختر سعد چیزی ندارند و

ص :۲۶

شما می دانید که زن ها را در قبال مال به همسری می گیرند. پیامبرخدا با شـنیدن سخنان همسر سعد ناراحت شد و برای آنان دعـا کرد. هنگـام بازگشت به مـدینه، جبرئیل به حضور رسول خـدا صـلی الله علیه و آله رسـید و آیه شـریفه «یُوصِیکُمُ اللّهُ فی أَوْلادِکُمْ»(۱) را نازل کرد. حضرت، همسر و برادر سعد را فراخواند و با توجه به این آیه، از برادر سعد خواست ۳۲ میراث سعد را بـه دخـترانش و ۸۱ آن را بـه همســرش بازگردانـد و بـاقی مانـده آن را برای خـود بردارد. ایـن حکـم الهی همسـر را چنـان خوشحال کرد که تکبیر سرداد و مردمی که در مسجد بودند، صدای وی را شنیدند».(۲)

دادن حـق ارث به زنـان و دخـتران، گـام بلنـدی برای تثـبیت حقوق آنـان و بخشـیدن کرامت انسـانی به آنهـا بود. بـا این حکم اسلامی، زنان و دختران جزو نسل پدران به شمار می آمدند.

اُمّ کجه نیز از جمله زنانی بود که به علت دختر بودن فرزندانش، از حق ارث همسرش، اوس بن ثابت، محروم شده بود. پس از نزول آیات ارث و تعیین میراث برای زنان و دختران، همسر و هر پنج دختر وی از آنچه از اوس باقی مانده بود، ارث بردند.(۳)

۱- نکـ: نساء: ۱۱.

۲- مغازی، ج ۱، ص ۳۳۱.

۳- نـکـ: اسـدالغابه، ج ۵، ص ۶۱۱ ؛ ابـن حجر عسـقلانی، الاصـابه، ج ۸ ، ص ۴۵۶؛ شاهین عبدالصـبور و اصـلاح عبدالسلام الرفاعی، صحابیات حول الرسول، قاهره، دار الاعتصام، بی تا، ج ۲، صص ۹۷ _ ۱۰۱.

درباره اینکه کـدام یکک از دو روایت بیان شـده، شأن نزول آیات ارث بودند، اختلاف وجود دارد، ولی نکته مهم، نتیجه عملی این آیات؛ یعنی به رسمیت شناخته شدن حق ارث برای دختران و زنان است.

مجموع مطالب این فصل، توجه ویژه رسول خدا صلی الله علیه و آله را به دختران و ویژگی های عاطفی، روحی و روانی آنان و نیز مسائل مـادی که موجب بهبود زنـدگی آنهـا می شود، نشـان می دهـد و این رفتارها را می توان به عنوان الگوی مناسب تربیتی و اجتماعی به جامعه امروز معرفی کرد.

ص: ۲۸

فصل سوم: رفتار پیامبر اعظم صلی الله علیه و آله با زنان آسیب دیده

اشاره

فصل سوم: رفتار پیامبر اعظم صلی الله علیه و آله با زنان آسیب دیده

زیر فصل ها

احترام به زنان اسیر

پشتیبانی از زنان خود سرپرست

توجه به مشکلات زنان طلاق گرفته

احترام به زنان اسیر

احترام به زنان اسیر

پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله از همان آغاز بعثت با انواع مخالفت ها و آزارها و پس از هجرت نیز با جنگ افروزی مشرکان روبه رو بود. بدیهی است هر جنگی، پی آمدهایی مانند کشته شدن، اسارت، معلول شدن و بی سرپرست شدن خانواده ها دارد. در مدت ده سال حضور پیامبر اکرم صلی الله علیه و آلهدر مدینه و تثبیت اسلام، غزوه ها و سریه های بسیاری میان مسلمانان و سپاه شرک و نفاق درگرفت که هر یک در روند پیشرفت اسلام اثر چشم گیری داشت. در این غزوه ها و سریه ها، بسیاری از افراد سپاه دشمن به اسارت مسلمانان درآمدند. در میان اسیران، زنانی بودند که بررسی زندگی آنها و شیوه رفتاری پیامبر با آنان در اسارت، الگوهای رفتاری مناسبی را به ما معرفی می کند. برخی از این زنان، دختران یا همسران بزرگان قبیله خود بودند که پس از اسارت، بر اساس قانون احترام و تکریم به بزرگان(۱) با آنان بسیار کریمانه و بزرگوارانه

۱- «إِذا أَتاكُمْ كَرِيمُ قَوْمٍ فَأَكْرِمُوهُ؛ بزرگ هر قومی را تکریم کنید». کافی، ج ۳، ص ۶۵۹.

رفتار می شد.(۱)

ازدواج پیامبر با زنانی چون جُوَیریَه، دختر حارث بن ابی ضرار که در نبرد بنو مُصْطَلَقْ اسیر شد(۲) و صفیه، دختر حُیَّ بن اَخْطَب که در نبرد خیبر به اسارت مسلمانان درآمد(۳) و خواستگاری از ریحانه دختر زید که در جنگ بنی قُرَیظه در سال ششم هجری اسیر شد و پیامبر وی را در انتخاب اسلام و ازدواج با خود یا ماندن در جایگاه کنیز، آزاد گذاشت،(۴) از جمله رفتارهای بزرگوارانه پیامبر با زنان اسیر است.

در روایت ها آمده است پیامبر پس از اسارت صفیه، با مهربانی به او فرمود: «دوست داری، به دین خود (یهود) باقی بمان. من تو را مجبور نمی کنم، ولی اینکه خدا و رسولش را برگزینی، برای تو بهتر است.» صفیه می گوید: «پس از شنیدن پیشنهاد پیامبر، خدا و رسولش را انتخاب کردم. آن حضرت نیز مرا آزاد کرد».(۵)

پیامبر چنان بر خوش رفتاری با زنان اسیر و رعایت حال آنان تأکید داشت که وقتی شنید بلال حبشی هنگام خروج اسیران از خیبر، زنان را از کنار

۱- ابن سعد، ج ۲، ص ۶۳ ؛ ابو نعیم، معرفه الصحابه، ج ۲، ص ۷۸۳.

۲- احمد بن حسین بیهقی، سنن الکبری، بیروت، دارالفکر، بی تا، ج ۸ ، ص ۱۶۸.

۳- حسین بن محمد دیار بکری، تاریخ الخمیس فی احوال انفس النفیس، بیروت، مؤسسه شعبان، بی تا، ج ۱، ص ۴۷۴.

۴- طبقات الکبری، ج ۸ ، صص ۱۳۰ و ۱۳۱. در اینکه وی پیامبر را برای ازدواج برگزید یا ملک یمین، اختلاف است.

۵- مغازی، ج ۲، ص ۶۷۵.

کشته شدگانشان گذرانده است و صفیه و دخترعموهایش با دیدن پیکر کشته ها ناراحت و گریان شده اند، با ناراحتی و اندوه به وی فرمود: «بلال! آیا رحمت و شفقت از تو دور شده است که کنیزان جوان را از کنار پیکر کشتگان آنها می گذرانی؟»(۱)

پس از ازدواج پیامبر خدا با صفیه، دیگر همسران پیامبر، وی را با تعبیر «زن یهودیه» مسخره و تحقیر می کردند. وقتی پیامبر از این ماجرا باخبر شد، با بیان اینکه نَسب او به پیامبران بنی اسرائیل می رسد، صفیه را دلداری داد و آنها را از این برخورد نهی کرد.(۲) رفتار پیامبر با صفیه چنان مهربانانه بود که وی همواره می گفت: «هرگز کسی را خوش اخلاق تر و بزرگوارتر از رسول خدا صلی الله علیه و آلهندیدم».(۳)

رفتار پیامبر خدا با سفّانه، دختر حاتم طایی و خواهر عُدی بن حاتم نیز که بعدها از مسلمانان وارسته و یاران حقیقی ولایت شد، شنیدنی است. سفّانه در سال هشتم هجری و در ماجرای ویران ساختن بت خانه فُلس به اسارت مسلمانان درآمد. وی به دستور پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله، جدای از دیگر اسیران و در خانه رمله، دختر حارث زندگی می کرد. هنگامی که کاروانی از قبیله طی از

۱- همان، صص ۶۷۳ و ۶۷۴ .

۲- مغازی، ص ۶۷۵ .

۳- نور الدین هیثمی، مجمع الزوائد و منبع الفوائد، بیروت، دارالکتب العلمیه، ۱۴۰۸ه . ق، ج ۹، ص۲۵۳؛ متقی هندی، کنز العمال، ج ۹، ص ۳۷۶.

مـدینه به مقصـد شـام حرکت می کردنـد، رسول خـدا صـلی الله علیه و آلهسـفّانه را آزاد کرد و به این قافله سپرد تا وی را نزد برادرش عُـیدَی بازگردانند.(۱) این بـانوی اسـیر بارهـا از پیـامبر خـدا درخواست آزادی کرد، ولی آن حضـرت تا وقتی کاروان مطمئنی نیافت، وی را آزاد نکرد و به وی فرمود: «[تو را آزاد] خواهم کرد. برای خروج از اینجا شـتاب مکن تا فرد مطمئنی که تو را به سرزمین خودت برساند، بیابیم».(۲)

در روایت دیگری آمده است وقتی سـفانه از اخلاق و رفتار پدرش برای پیامبر سخن گفت، آن حضرت فرمود: «ای سفانه! این ویژگی هایی که درباره پـدرت می گویی، در حقیقت، صـفات فرد مؤمن است. اگر پدرت، مسـلمان بود، برای او آمرزش می طلبیدم.»(۳) سپس وی را به دلیل حسن خلق و بخشندگی پدرش آزاد کرد.

در عصر پیامبرخدا، زنان اسیر از گروه های آسیب پذیر جامعه به شمار می آمدند. ازاین رو، برای اینکه این گروه دچار بحران های روحی و روانی نشوند، باید برای اداره زندگی آنان تدبیری اندیشیده می شد. ازدواج پیامبر با زنان اسیر و رفتار مناسب با آنها یا ایجاد زمینه ازدواج و کار برای ایشان، آنها را به ادامه زنـدگی امیـدوار می کرد. نقل است جاریه، دختر اُمّ قِرفَه در سال ششم

۱- سیره النبی، ج ۴، ص ۲۲۵؛ اسدالغابه، ج ۵، ص ۴۷۵.

۲- احمد بن عبدالله ابونعیم، معرفه الصحابه، ریاض، دارالوطن للنشر، ۱۴۱۹ه_ . ق، ج۶، ص۳۳۶۲.

۳- نـک: رضوان دعبول، تراجم اعلام النساء، بیروت، مؤسـسه الرساله، ۱۴۱۹ه . ق، ص ۲۰۹؛ محسن امین، اعیان الشـیعه، ج ۱، ص ۲۸۷.

هجری و در سریه اُم قرفَه به اسارت مسلمانان درآمد. وی شاهد کشته شدن مادرش به دست قیس بن محسّر بود. وقتی پیامبر از این ماجرا باخبر شد، از وی دل جویی کرد و از قیس خواست جاریه را نزد ایشان بیاورد. سپس وی را به ازدواج حَزَن بن ابی وهب درآورد که از خانواده مادری پیامبر بود. در نتیجه این ازدواج، عبدالرحمان بن حَزَن به دنیا آمد.(۱) حضرت، جاریه را به عقد مردی مهربان و مورد اعتماد درآورد تا با این کار هم از او دل جویی کرده باشد و هم زمینه سعادت مندی وی را در سایه این پیوند فراهم سازد. بنا بر نقل ابن هشام، جاریه دختر یکی از بزرگان قوم خود بود. ازاین رو، پیامبر برای حفظ شرافت و عزت او، با وی با مهربانی و بزرگواری رفتار کرد.(۲)

رسول خدا صلی الله علیه و آله از آزادی زنان و دختران و بازگرداندن آنها نزد قوم و قبیله شان، به منظور آموزش معارف دینی و جذب مردم به اسلام استفاده می کرد. یکی از این موارد، رفتار پیامبر با زنان و کودکانی است که در نبرد هوازن به اسارت مسلمانان درآمدند. به گفته طبری، پس از پایان نبرد، فرستادگان هوازن در منطقه جَعرانه نزد پیامبر آمدند و اسلام را پذیرفتند و از آن حضرت خواستند به آنها لطف کند و زن و فرزندان و اموالشان را به آنها بازگرداند. پیامبر که از فرصت های گوناگون برای مبارزه با فرهنگ جاهلی و دعوت مردم به اسلام استفاده می کرد، فرمود: «زنان و فرزندانتان را بیشتر

۱- سیره النبی، ج ۴، ص ۱۰۳۵؛ طبقات ابن سعد، ج ۲، ص ۸۰ .

۲- همان،؛ طبری، تاریخ طبری، ج ۲، ص ۲۸۹.

دوست دارید یا اموالتان را؟» آنها گفتند: زنان و فرزندانمان را بیشتر دوست داریم. آن گاه پیامبر فرمود: «تا آنجا که به من و فرزندان عبدالمطلب مربوط است، اموال و خانواده تان را به شما بازمی گردانم. پس از آنکه نماز من و یارانم به پایان رسید، برخیزید و خطاب به مردم بگویید در کار فرزندان و زنانمان، پیامبر را نزد شما مسلمانان و شما مسلمانان را نزد پیامبر شفیع می کنیم. من سهم خود و فرزندان عبدالمطلب را به شما می بخشم و سهم دیگران را نیز برای شما طلب می کنم.» فرستادگان هوازن به پیشنهاد پیامبر عمل کردند و مهاجران و انصار، اسیران و غنایم خود را به پیامبر بخشیدند. پیامبر نیز فرمود: «هر کس نمی خواهد اسیر خود را ببخشد، در مقابل هر اسیر، شش شتر از نخستین غنیمتی که به دست می آوریم، بگیرد و در عوض، زن و فرزندان این مردم را به آنان بازگرداند».(۱)

رسول اکرم صلی الله علیه و آله با این رفتار خویش، هم ارزش خانواده و زن و فرزند را برای جامعه عرب تبیین کرد که هنوز آثاری از تفکر جاهلی در آن دیده می شد و هم با مشورت کردن با مسلمانان، به آنان شخصیت و احترام بخشید و اسیران را با رضایت کامل مسلمانان به خانواده هاشان بازگرداند.

با استفاده از این روایت به یکی دیگر از ویژگی های مهم رفتاری رسول خدا صلی الله علیه و آله که همان استفاده از موقعیت ها و شرایط حساس برای تبیین آموزه ها و ارزش های دینی به مردم است، می توان اشاره کرد. این شیوه

۱- محمد بن اسماعیل بخاری، تاریخ الصغیر، تحقیق: محمود ابراهیم زایه، بیروت دارالمعرفه، ۱۴۰۶ هـ . ق، ج ۱، چ ۱،ص ۳۱.

رفتاری پیامبر می توانـد الگوی مناسبی برای مربیان و مسئولان فرهنگی و سیاسـی جامعه باشـد تا از فرصت های پیش آمده به منظور آموزش تعالیم دینی و ارزش های فرهنگی به مردم بهره گیرند.

از دیگر ویژ گی هـای رفتـاری پیـامبر اکرم صـلی الله علیه و آله، توجه به کرامت انسـانی اسـیران به ویژه زنـان و دخـتران است. تکریم اسـیرانی که موقعیت اجتماعی ویژه ای داشـتند، احترام به عقایـد و باورهایی که بر ضـد ارزش ها و آموزه های اسـلامی نبودند و تلاش برای براندازی نظام برده داری با جهت دهی به احکام و فروعات فقهی برای رسـیدن به این هدف از شیوه های رفتاری پیامبر اعظم صلی الله علیه و آله با اسیران است که دین اسلام را شریعتی قانون مند و اخلاق گرا معرفی می کند.

پشتیبانی از زنان خود سرپرست

پشتیبانی از زنان خود سرپرست

بنـا بر آنچه گفته شـد، بـا گسترش دین مبین اسـلام در جزیره العرب، بسـیاری از آداب و رسوم و انـدیشه های نادرست جامعه عربسـتان از بین رفت و فرهنـگ توحیـدی جای گزین آن شـد. این امر، واکنش ها و برخوردهای تنـد اعراب جاهلی را در پی داشت. بی تردیـد، در چنین شـرایطی، جنـگ، مقـابله و دفـاع، اجتناب ناپـذیر بود. یکی از پی آمـدهای این جنگ ها، بر جای مانـدن خـانواده های بی سـرپرست بود که گروه و قشـر جدیـدی را با عنوان «زنان خودسـرپرست» به وجود آورد. این قشـر، به حمـایت جـدی و مسئولانه حاکمـان دینی نیاز داشـتند و بایـد با برنامه ریزی صـحیح و علمی، از نظر مادی و معنوی تأمین می شدند. پیامبر اکرم صلی الله علیه و آلهدر برخورد با این گروه از زنان،

شیوه های رفتاری زیر را به کار گرفت:

۱. توجه به بحران عـاطفی خـانواده های شـهیدان و تلاش برای رفع بحران با برقراری ارتباط عاطفی با فرزنـدان آنها و توجه به نیازهای اولیه آنان. مهر و محبت بی نظیر پیامبر خـدا به همسـر و فرزنـدان جعفر طیار پس از شـهادت وی از نمونه های رفتاری آن حضرت با خانواده های بی سرپرست است. رسول خدا صلی الله علیه و آله پس از اینکه از شهادت جعفر طیار باخبر شد، به همسـران خود و فاطمه زهرا علیهاالسـلام دستور داد برای اسماء بنت عمیس، همسر جعفر و فرزندانش غذایی تهیه و از آنها دل جویی کنند. خانواده جعفر سه روز در خانه پیامبر بودند و روز چهارم به خانه خود بازگشتند.(۱)

۲. محدود کردن زمان سوگواری از سوی پیامبر و تأکید بر بازگشت به زندگی عادی پس از مصیبت. بنا بر روایات، در دوران جاهلیت، زنان پس از فوت همسـرانشان تا یک سال لباس عزا می پوشـیدند و از زینت و آرایش پرهیز می کردنـد. رسول خدا صلی الله علیه و آله این رسم را منسوخ کرد و پس از شـهادت جعفر از اسماء خواست تا سه روز برای شوهرش عزاداری کند و فرمود: «تا سه روز زینت مکن و [لباس سیاه بپوش]. سپس آنچه می خواهی انجام ده».(۲)

در روایتی آمـده است که سبیعه، دختر حـارث پس از فوت همسـرش زایمـان کرد. روزی ابوالسـنابل بن بعلک وی را دیـد که سرمه کشیده و لباس عزا از تن

۱- مغازی، ج ۲، ص ۷۶۷.

۲- علی بن جعـد بن عبیـد جوهری، مسـند ابن الجعـد، تحقیق: عبـدالله بن محمد البغوی و عامر احمد حیدر، بیروت، دارالکتب العلمیه، ص ۳۸۹.

درآورده است. به او گفت: آیـا فکر می کنی که از عـده خارج شـده ای؟ تو تا چهار ماه و ده روز پس از وفات همسـرت نمی توانی ازدواج کنی و نباید خود را زینت کنی. سبیعه بی درنگ نزد رسول خدا صـلی الله علیه و آله رفت و سخنان ابوالسنابل را که یکی از خواستـگارانش بود، به گوش پیامبر رسانـد. پیامبر به او فرمود: «تو فرزندت را به دنیا آوردی و زمان عده تو با تولد فرزندت به پایان رسیده است.»(۱) به این ترتیب، رسول خدا صلی الله علیه و آله با این سخن هم حکم الهی را بیان فرمود و هم جامعه را از افراط و تفریط در اجرای احکام برحذر داشت.

۳. هم دردی و همراهی با مصیبت دیـدگان به منظور کاسـتن از غم و رنج آنها و دور کردن آنها از تنش های روانی در نمونه هـای رفتاری رسول خـدا صـلی الله علیه و آله آشـکارا به چشم می خورد. در روایات آمـده است پس از شـهادت حمزه و مثله شـدن پیکرش، صـفیه، خواهر حمزه می خواست خود را به پیکر برادرش حمزه برساند. وی بر این کار پافشاری می کرد. ازاین رو، پیامبر از انصار خواست مانع او نشونـد. صـفیه پیکر مثله شده برادر را یافت و در کنار آن نشـست و با صدای بلند گریست. پیـامبر نیز وی را همراهی کرد و بـا صـدای بلنـد گریست. پس از اینکه صـفیه آرام شـد، آن حضـرت برای آرامش خـاطر وی فرمود: «هم اکنون جبرائیل به من خبر داد که در آسمان های هفت گانه نوشته اند حمزه، شیر خدا و رسول است».(۲)

۱- علاءالدین متقی هندی، کنز العمال، مؤسسه الرساله، بیروت، بی تا، ج ۹، ص ۶۸۸.

۲- مغازی، ج ۱، ص ۲۸۹.

پیامبر اعظم صلی الله علیه و آله برای آرامش خاطر ام ربیع، مادر شهید حارثه بن سراقه خطاب به وی فرمود: «ای مادر حارثه! باغی در بهشت وجود دارد و پسر تو در بهشت اعلا جای دارد».(۱)

دل جویی پیامبر از خانواده های شهیدان به گونه ای بود که وقتی انیسه، دختر عُدَی از ایشان خواست پیکر پسرش، عبدالله بن سلمه بن مالک را که در نبرد احد به شهادت رسیده و بر بلندای کوه احد به خاک سپرده شده بود، از قبر درآورند، پیامبر پذیرفت و دستور داد جنازه وی را به مادرش بسپارند تا وی

را هر جا که دوست دارد، به خاک سپارد.(۲)

۴. در روایت های بسیاری به توجه ویژه پیامبر به زندگی و مشکلات خانواده های بی سرپرست اشاره شده است.

در روایتی آمده است ام کجه و دخترانش، پس از وفات همسرش اوس بن ثابت با سختی زندگی می کردند؛ زیرا پس از مرگ اوس، تمام دارایی و ارث وی به برادرانش رسید. پیامبر خدا پس از نزول آیه ارث، سهم آنان را به آنها بازگرداند.(۳)

۱- یحیی بن شرف النووی، ریاض الصالحین، تعلیق رضوان محمد دعبول، بیروت، دارالکتب العربی، ۱۹۷۳ه . ق، تحقیق: حمدی عبدالحمید السلفی، قاهره، مکتبه ابن تیمیه، بی تا، چ۲، ج ۲۵، ص ۱۹۲.

۲- ابن ابی عاصم، الآحاد و المثانی، تحقیق: باسم فیصل احمد الجوابره، دار الدرایه، چ ۱، ۱۴۱۱ هـ . ق، چ ۱، ج ۶ ، ص ۲۲۴؛ سلیمان بن احمد طبرانی، المعجم الکبیر، تحقیق حمدی عبدالحمید السلفی، قاهره مکتبه ابن تیمیه، چ ۲، ص ۵۳۳.

۳- نک: صحابیات حول الرسول، ج ۲، صص ۹۷ _ ۱۰۱.

۵. سرپرستی و حمایت از خانواده های بی سرپرست و مصیبت دیده، به ویژه مهربانی با کودکان و فرزندان شهیدان. سرپرستی از دختر حمزه سیدالشهدا و دختران زراره، پس از مرگ پدرانشان نمونه ای از توجه پیامبر به خانواده های بی سرپرست است.(۱)

۶. دادن امتیازها و حقوق ویژه به خانواده های شهیدان و مصیبت دیدگان از جمله ملاقات با آنان و حضور طولانی در خانه هایشان. در روایتی آمده است پیامبر همواره به خانه ام حرام و ام سلیم، دختران ملحان می رفت. گفته شده است آن حضرت به هیچ خانه ای به جز خانه همسرانش وارد نمی شد، مگر خانه ام سلیم. هنگامی که دلیل این کار را از ایشان پرسیدند، فرمود: «برادر ام سلیم همراه من بود که کشته شد. به همین سبب، خواهر او برایم محترم است».(۲)

ام سلیم، غم مرگ فرزندش، ابوعمیر را نیز با صبر و شکیبایی تحمل کرد و این ماجرا را به گونه ای زیبا برای همسرش، ابوطلحه توصیف کرد. پیامبر خدا همواره ام سلیم را به واسطه صبر و بردباری اش تحسین و تکریم می کرد.(۳)

رفتار رسول خدا صلی الله علیه و آله با خانواده های مصیبت دیده و بی سرپرست به ویژه زنان و فرزندان شهیدان، الگویی بسیار مناسب برای جوامع بشری،

۱- طبقات الکبری، ج ۸، ص ۴۴.

۲- همان، ص ۳۶۷.

۳- همان، صص ۴۳۳ و ۴۳۴.

هنگام رخ دادن بحران هایی چون جنگ و حوادث طبیعی است.

بی توجهی به مشکلات و گرفتاری های آسیب دیدگان جنگ، به معنای از دست دادن حامیان حقیقی یک نظام سیاسی است؛ زیرا این گروه به دلیل بهای سنگینی که برای ایجاد یا حفظ نظام پرداخته اند، همواره پشتیبان نظام خواهند بود.

توجه به مشکلات زنان طلاق گرفته

توجه به مشکلات زنان طلاق گرفته

طلاق، منفورترین حکم دینی است که خداوند و معصومین علیهم السلام آن را ناپسند شمرده اند.(۱) با این حال، وقتی همسران همه راه های بهبود روابط و ایجاد تفاهم و تعامل را تجربه کرده و به نتیجه نرسیده باشند، طلاق به عنوان حکمی شرعی مطرح می شود و زمینه تجربه ای جدید را در زندگی مشترک برای زن و مرد فراهم می سازد.

به طور معمول، زنان مطلقه از سرزنش ها و برخوردهای نادرست و قضاوت های شتاب زده مردم رنج می برند و گاه به دلیل همین مشکلات و برخوردهای منفی جامعه حاضر می شوند تا پایان عمر در خانه و کاشانه ای زندگی کنند که هیچ دل بستگی و علاقه ای به آن ندارند. رسول اکرم صلی الله علیه و آله با این تفکر جاهلی مبارزه کرد. ایشان همواره زشتی و نادرست بودن طلاق را به مسلمانان یادآور می شد، ولی گاه آن را به منزله آخرین راه حل مشکلات میان زوجین می دانست.

۱- عبدالرزاق صنعانی، مصنف، تحقیق: رحمان اعظمی، المجلس العلمی، بی تا، ج ۶، ص ۳۹۰.

حمایت از زنانی که پس از طلاق دچار مشکلات معیشتی یا شکست های روحی و روانی شده بودند، از جمله شیوه های رفتاری پیامبر با این گروه از زنان بود. جابر می گوید:

پس از اینکه همسر حفص بن مغیره از وی جدا شد، وی نزد رسول خدا صلی الله علیه و آله آمد و از ایشان کمک خواست. پیامبر به حفص فرمود: «به همسرت متاعی بده، گرچه به اندازه یک صاع باشد».(۱)

همچنین در روایت آمده است وقتی پیامبر خدا باخبر شد زینب، دختر حنظله بن قسامه از همسرش، اسامه بن زید طلاق گرفته است، در جمعی فرمود: «چه کسی حاضر است او را به زنی زیبا و کم خوراک راهنمایی کنم و من به منزله پدر زن او باشم؟» نعیم بن عبدالله نحّام از نوع نگاه پیامبر متوجه موضوع شد و گفت: گویا منظور شما من هستم؟ پیامبر پاسخ مثبت داد و نعیم ازدواج با زینب را با میل و رغبت پذیرفت. به این ترتیب، پیامبر زندگی یک زن مطلقه را سامانی دوباره بخشید و وی را به عقد فردی مناسب درآورد.(۲)

رسول خدا صلی الله علیه و آله در کلام خود، زینب را دختر خویش نامید و از این راه به وی اعتبار و شخصیت بخشید. این رفتار پیامبر خدا، نوع نگاه مردم را نیز نسبت به زینب و دیگر زنان مطلقه تغییر داد.

حضرت محمد صلی الله علیه و آله، زنان را برای گرفتن حق حضانت فرزندانشان نیز

۱- کنزالعمال، ج ۲، ص ۶۷۲ .

۲- ابن سعد، ج ۴، ص ۷۲

یـاری و حمـایت می کرد. نقل شـده است روزی زنی نزد پیامبر آمـد و از همسـرش گله کرد و با اشاره به پسـری که همراهش بود، گفت: ای رسول خدا! این پسـر من است. شـکم من ظرف وجود او و دامانم، پرورشـگاهش بوده است و از سینه ام وی را تغـذیه کرده ام، ولی اکنون پدرش قصد دارد وی را از من جدا سازد. پیامبر فرمود:«تا هنگامی که تو ازدواج نکرده ای، به نگه داری او سزاوارتر هستی».(۱)

گاه مردان چنان با زنان بـدرفتاری می کردند که پیامبر از آنان می خواست با دریافت متاعی از زنانشان، آنها را طلاق دهند تا زنان با انتخابی صـحیح تر، به زنـدگی ایده آل خویش دست یابند. برای مثال، حبیبه، دختر سـهل و همسـر ثابت بن قیس(۲) و جمیله دختر سـلول که به ظـاهر همسـر دیگر ثـابت بن قیس بود، به علت بـداخلاقی و بـدرفتاری شوهرشان، به امر پیامبر از وی طلاق گرفتند.(۳)

پیـامبر خـدا نه تنها از حقوق زنان مسـلمان دفاع می کرد، بلکه به خواست ها و حقوق زنان غیرمسـلمان نیز اهمیت می داد. نقل شده است ابوالحکم رافع بن سـنان پس از ظهور اسـلام، مسـلمان شد، ولی همسـرش از پذیرش دین اسـلام سرباز زد. به همین دلیل آن دو از هم جـدا شدنـد. آنها دختری به نام عُمیره داشـتند. روزی مادر عمیره نزد رسول خـدا صـلی الله علیه و آلهآمد و گفت: ابوالحکم، دخترم را از من گرفته است و اجازه نمی دهد وی را ببینم. پیامبر از این

۱- مسند احمد، ج ۲، ص ۱۸۲.

۲- محمد بن ادریس شافعی، مسند، تحقیق: مطبعه بولاق الامیریه، بیروت، دار الکتب العلمیه، ص۲۶۳.

۳- ابن عبدالبر، استیعاب، ج ۴، ص ۱۸۰۲.

موضوع بسیار ناراحت شد و ابوالحکم را که از صحابه بود، فراخواند. سپس دستور داد مادر و پدر در دو طرف مجلس بنشینند و دختر را میان مجلس قرار دهند، آن گاه هر کدام، دخترشان را صدا زنند. دخترک با شنیدن صدای مادرش به سوی او رفت. پیامبر با دیدن این صحنه، برای او دعا کرد و فرمود: «اَللّهُمَّ اهْدِها؛ پروردگارا! این دختر را هدایت کن.» پس از دعای پیامبر، دخترک به سوی پدرش ابوالحکم رفت.(۱)

از این روایت می توان دریافت که پیامبر گرامی اسلام، به حقوق و خواسته های زنان توجه ویژه ای داشت. توجه پیامبر به سخنان زنی غیرمسلمان که از مردی مسلمان شکایت کرده است و رسیدگی به حقوق وی و آزاد گذاشتن کودک در انتخاب یکی از والدین خود، بیان کننده ارزشی است که اسلام برای حقوق زن و فرزند قائل است.

رسول خدا صلی الله علیه و آله می توانست با نفوذی که داشت، کودک را به پدر مسلمانش بسپارد، ولی به جای استفاده از خشونت و زور، از خداوند خواست تا وی را به راه راست هدایت کند. این اقدام پیامبر، برای زن جای هیچ گونه اعتراض و مخالفتی باقی نگذاشت؛ زیرا انتخاب بر عهده خود کودک گذاشته شد.

ص: ۴۳

۱- جمال الدین زینعلی، انصب الرایه فی احادیث الهدایه، تحقیق ایمن و صالح شعبانی، قاهره، دار الحدیث، ۱۴۱۵ ه_ . ق، ج ۳، ص ۵۰۰.

فصل چهارم: رفتار پیامبر اعظم صلی الله علیه و آله با زنان خطاکار

اشاره

فصل چهارم: رفتار پیامبر اعظم صلی الله علیه و آله با زنان خطاکار

در هر جامعه ای، افراد خطاکار و مجرمی وجود دارند که به علت تربیت نادرست و شرایط خانوادگی یا تحت تأثیر شرایط نامناسب اجتماعی به بی راهه و گناه کشیده شده اند. شیوه رفتاری مسئولان جامعه با این قشر، بسیار مهم و قابل بررسی است. در عصر نبوی نیز به علت رواج فساد و برخی آداب و رسوم غلط در دوران جاهلیت، افرادی دچار انحراف شدند. بررسی شیوه رفتاری پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله با این گروه، راه کارهای مناسبی را پیش روی مسئولان فرهنگی و اجتماعی می گذارد. حضرت محمد صلی الله علیه و آله به مجرمان فرصت می داد تا خود را اصلاح کنند و ارزش حقیقی خود را بشناسند تا به تدریج، سلامت روحی و روانی خود را دوباره بازیابند. در میان این گروه، مجرمان زن به علت نوع خلقت، حساس تر و آسیب پذیرتر از مردان بودند. ازاین رو، برای برخورد با آنان به آگاهی های روان شناختی درباره زنان نیاز بود. زنان تبه کاری چون هند، دختر عتبه و همسر ابوسفیان که هنگام ظهور و گسترش اسلام، عامل بسیاری از توطئه های اجتماعی و سیاسی بود؛ زن یهودی جنایت کاری که در ماجرای فتح خیبر، به قصد انتقام از پیامبر اسلام، نقشه ترور ایشان را طراحی و اجرا کرد و زنان آوازه خوان، نمونه هایی از این گروه ها بودند که در این بخش به شیوه های رفتاری پیامبر با آنان اشاره

ص: ۴۳

ای کوتاه می کنیم.

پس از فتح مکه، رسول خدا صلی الله علیه و آله همه مکیان را به جز ده نفر بخشید. این ده نفر، شش مرد و چهار زن فاسد و مجرم بودند که از راه های گوناگون به سرکوبی اسلام و مسلمانان می پرداختند.(۱)

هند، دختر عتبه و همسر ابوسفیان در نبرد بدر، برادر و برخی دیگر از نزدیکانش را از دست داد. ازاین رو، دشمنی وی با اسلام و مسلمانان به ویژه پیامبر خدا شدت گرفت. وی برای انتقام گرفتن از رسول خدا صلی الله علیه و آله در نبرد احد پیکر حضرت حمزه و دیگر شهیدان احد را مثله کرد و با این کار، خشم مسلمانان را برانگیخت. وی یکی از چهار زنی بود که پیامبر دستور مرگش را صادر کرد.

همچنین کنیزان ابن خطل و ساره مغنیه (آوازه خوان) نیز که در جنگ بدر، با خواندن ترانه های مهیج و موسیقی های طرب آور، جنگاوران سپاه شرک را به کشتار مسلمانان تشویق می کردند، از عفو همگانی پیامبر بهره مند نشدند.

پس از فتح مکه و صدور اعلامیه سرشار از مهر و دوستی و صلح پیامبر، سه تن از این زنان به خانه ابوسفیان و دیگر مکیان پناه بردند. پیامبر آنها را بخشید و به آنان فرصت اصلاح و توبه داد. واقدی می نویسد:

وقتی هند برای پذیرش اسلام نزد پیامبر خدا آمد، آن حضرت به وی خوش آمد گفت.

۱- سیره النبی، ج ۴، ص ۵۱؛ المقریزی، امتاع الاسماع، تحقیق: محمد عبدالحمید النمیسی، بیروت، دار الکتب العلمیه، چ ۱، ۱۴۲۰ ه_. ق، ج ۱، ص ۳۹۳؛ مغازی، ج ۲، ص ۸۲۵.

آن گاه هند گفت: ای رسول خدا! به خدا سوگند، هیچ خیمه ای در روی زمین، نزد من ذلیل تر از خانواده و خیمه شما نبود و امروز، هیچ خیمه و خاندانی نزد من از شما محبوب تر نیست.(۱)

به رفتار کریمانه پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله با هند و خانواده اش، پس از فتح مکه و اسلام آوردن آنها در روایت های بسیاری اشاره شده است.

نقل شده است روزی کنیز هند گوسفندی را نزد پیامبر آورد و از زایش محدود گوسفند شکایت کرد. پیامبر فرمود: «خداوند، به گوسفند شما برکت دهد و زاد و ولدش را زیاد کند.» از آن روز به بعد، گوسفند زاد و ولد کرد و روز به روز بر تعداد گوسفندان افزوده شد، به گونه ای که پیش از آن، چنین چیزی ندیده بودند. هند پس از این ماجرا گفت: «این دعای خیر رسول خدا صلی الله علیه و آله و برکت اوست. خدا را شکر که ما را به اسلام هدایت کرد».(۲)

در روایات آمده است هند هنگام پذیرش اسلام و بیعت با پیامبر خدا، خطاب به ایشان گفت: به زحمت، کودکانم را بزرگ کردم و از کودکی به بزرگی رساندم و تو در بزرگی آنها را کشتی.(۳) در مقابل، پیامبر، با گذشت و بزرگواری، زخم زبان و سخن ناروای وی را نادیده گرفت و با هند با مهربانی رفتار کرد، در حالی که می توانست از آغازگری جنگ به دست قریش و پلیدی آنها سخن گوید و از خود دفاع و وی را قانع کند. رسول خدا صلی الله علیه و آله شرایط هند و احساس مادرانه وی را که موجب چنین قضاوتی شده

۱- مغازی، ج ۲، ص ۸۵۰ .

۲- همان، ص ۸۶۷ .

۳- الشافعی، کتاب المسند، ص ۲۶۶.

بود، به خوبی درک کرد و با «خلق عظیم» خویش با هند و افرادی چون او رفتاری شایسته داشت.

در روایت ها آمده است که ساره آوازه خوان نیز پس از کسادی کارش در مکه و دچار شدن به بی پناهی و مشکلات معیشتی، به مدینه نزد پیامبر آمد. رسول خدا صلی الله علیه و آلهبا بزرگ منشی، گذشته وی را نادیده گرفت و از وی پرسید اسلام آورده یا هجرت کرده است. ساره ماجرای مشکلات معیشتی خود در مکه را برای پیامبر بازگو کرد. پیامبر پس از شنیدن سخنان وی، نگه داری و حفظ ساره را به خاندان عبدالمطلب سپرد؛(۱) زیرا وی پیش از آن، کنیز فرزندان عبدالمطلب (عمرو بن هاشم(۲) یا ابوعمرو بن صافی یا صیفی) بود.(۳) با این تدبیر پیامبر، هم به ساره فرصتی برای خودسازی داده شد و هم امنیت روانی و عفاف اجتماعی مدینه که ممکن بود به دست این زن به خطر بیفتد، حفظ گردید.

بنا بر نقلی، ساره از سال دوم هجری که به مدینه پناه آورد تا سال هشتم در این شهر ماند و در حمایت خاندان عبدالمطلب به سر برد. وی پیش از فتح مکه با پنهان کردن نامه حاطب بن ابی بلتعه در لابه لای بافته های گیسوی

۱- مناقب آل ابی طالب، ج ۱، ص ۴۰۵.

۲- مغازی، ج ۱، ص ۴۸.

۳- علی بن موسی بن طاووس، الطرائف، قم، المطبعه الخیام، ۱۳۷۱، ج ۱، ص ۹۷.

خود، بار دیگر به بی راهه کشیده شد.(۱) رسول خدا صلی الله علیه و آله از طریق وحی از ماجرای نامه آگاه شد و به علی علیه السلام و چند تن از اصحاب دستور رسیدگی به این ماجرا را داد. آنها نامه را یافتند و به این ترتیب، توطئه خنثی شد.(۲)

افزون بر ساره، دو کنیز آوازه خوان ابن خَطَل نیز در شمار ده نفری بودند که پیامبر ریختن خون آنها را مباح اعلام کرد، ولی بنا بر نقل ابن هشام، پس از فتح مکه یکی از آنها کشته شد و دیگری امان خواست و پیامبر او را بخشید.

همچنین نقل شده است ساره نیز امان خواست و پیامبر او را عفو کرد.(۳)

از مجموع روایت هایی که درباره روش و رفتار پیامبر با زنان مجرم بیان شد، می توان دریافت که رسول خدا صلی الله علیه و آله به مجرمان به ویژه زنان مجرم فرصت توبه و اصلاح می داد و با تأمین هزینه زندگی و رفع نیازهای آنان، زمینه بازگشت آنها به طهارت و پاکی را فراهم می ساخت و زمینه های انحراف را از بین می برد.

در روایت ها آمده است پیامبر با زنان بدرفتار، بدزبان و مخالف اسلام با مهربانی و خوش رویی رفتار می کرد و همواره برای هدایت و رستگاری آنان دعا می فرمود. ام ابی هریره، مادر ابوهریره، راوی معروف اهل سنّت، به اسلام و پیامبر، سخنان زشت و نادرستی نسبت می داد. با این حال، آن حضرت در

۱- ابن عبدالبر، الدرر، ص ۲۲۶.
۲- سیره النبی، ج ۴، ص ۸۴۰؛ تاریخ یعقوبی، ج ۲، ص ۵۸.
۳- همان، ج۴، ص ۸۶۹ .

حق وی این گونه دعا کرد: «خدایا! ام ابی هریره را هدایت کن.» و پس از تحول روحی و اخلاقی وی از خدا خواست او را محبوب مردم گرداند.(۱)

یکی دیگر از این زنان خطاکار، زینب، دختر حارث و همسر سلّام بن مشکم است. وی پس از پیروزی مسلمانان در نبرد خیبر، مقداری گوشت گوسفند را با سمّ آغشته کرد و آن را به عنوان هدیه برای پیامبر خدا آورد. آن حضرت از راه غیب متوجه سمی بودن گوشت شد و آن را نخورد، ولی بشر بن بَراء، یکی از صحابه پیامبر از این گوشت زهرآگین خورد و بعدها به دلیل سمی که وارد بدنش شده بود، مرد. توجه به رفتار پیامبر با این زن که قصد ترور رسول خدا صلی الله علیه و آلهرا داشت، بسیار مفید و سازنده است. رسول خدا صلی الله علیه و آلهوی را نزد خود فراخواند و علت این کارش را جویا شد. زینب گفت: شما پدر، عمو و همسر مرا کشتید و خویشاوندان و افراد قومم را به اسارت گرفتید. من با خود گفتم اگر پیامبر باشی، از خوردن گوشت گوسفند آسیبی به تو نمی رسد و اگر پادشاه باشی، [خواهی مُرد و] از دست تو نجات خواهم یافت. در برخی از روایات آمده است که پیامبر از حق خود گذشت و وی را بخشید و

۱- ابن سعد، ج ۴، ص ۳۲؛ صحیح مسلم، بیروت، دارالفکر، بی تا، ج ۷، ص ۱۶۵؛ اسحاق ابن راهویه، مسند راهویه، تحقیق: عبدالغفور عبدالحق بردالبلوسی، مدینه، مکتب الایمان، ۱۴۱۲ هـ . ق، چ ۱، ج ۱، ص ۲۴.

حتی او را سرزنش نیز نکرد،(۱) ولی تصمیم نهایی را به خانواده بشر سپرد و ولیّ دم بشر درخواست قصاص وی را کردند.(۲)

رفتار محبت آمیز پیامبر با زنان خطاکار، به آنها فرصت دوباره ای برای شروع زندگی می داد و زمینه جبران اشتباه های گذشته و استفاده از فرصت های باقی مانده را برای آنها فراهم می ساخت و جامعه را نیز به پذیرش آنها تشویق می کرد. کثیره، دختر ابوسفیان در عصر جاهلی چهار دختر خود را زنده به گور کرده بود. با آنکه پیامبر از این کار بسیار نفرت داشت، وقتی پشیمانی اش را دید، به وی فرمود: «[برای آرامش روحت،]چهار برده را آزاد کن.»(۳) با این راه کار ارزنده پیامبر، هم وجدان و روح کثیره تا حدودی آرام گرفت و هم چهار برده آزاد شدند.

یکی دیگر از این زنان، همسر سعد بن ربیع بود. وی مخفیانه سخنان محرمانه پیامبر و شوهرش، سعد را درباره نامه عباس بن عبدالمطلب و خبر حرکت قریش شنید. وقتی در این باره از سعد بن ربیع پرسید، وی از بیان محتوای سخنان خود و پیامبر خودداری کرد. زن اعتراف کرد که همه سخنان آنان را شنیده و از آن آگاه است. سعد از شنیدن این سخن عصبانی شد و گفت: مبادا دیگر حرف های ما را گوش دهی! سپس گیسوی همسرش را

۱- احمد بن علی ابن حجر عسقلانی، فتح الباری، فی شرح صحیح البخاری، بیروت، دار المعرفه لطباعه و النشر، بی تا، ج ۷، ص ۳۸۱.

۲- ابن سعد، ج ۲، ص ۳۰۲.

۳- اسد الغابه، ج ۵، ص ۳۱۵.

گرفت و با شتاب دوید تا اینکه نزد پیامبر رسیدند. سعد با دیدن پیامبر، ماجرا را برای ایشان بازگو کرد و گفت می ترسد این زن سخنان محرمانه آنها را فاش کند و پیامبر، سعد را مقصر بداند. رسول رحمت پس از شنیدن سخنان سعد فرمود: «خَلِّ سبیلها؛ این زن را آزاد بگذار.» آن حضرت با بزرگواری و مهربانی از رفتار ناپسند همسر سعد گذشت و به وی فرصت جبران داد. همسر سعد بر اساس کنجکاوی زنانه یا شیطنت خاص خود، سخنان مخفیانه پیامبر و سعد را شنیده بود، ولی رسول اکرم صلی الله علیه و آله با رفتار بزرگوارانه خود وی را بخشید تا هم به آن زن شخصیت و آبرو و ارزش ببخشد و هم مردان را از آزار دادن زنان نهی کند، حتی اگر اشتباهی کرده باشند.(۱)

یکی دیگر از مصداق های شفقت پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله درباره زنان خطاکار که در کتاب های معتبر تاریخی به آنها اشاره شده، جریان بخشش زن زناکاری است که پشیمانی خود را به طور صریح، اظهار کرد. این زن که باردار هم شده بود، نزد رسول خدا صلی الله علیه و آله آمد و از آن حضرت خواست تا بر او حدّ جاری سازد. پیامبر سرپرست او را فراخواند و از وی خواست از این زن مراقبت کند تا فرزندش متولد شود و بعد وی را نزد پیامبر آوَرَد. سرپرست آن زن دستور پیامبر را اجراکرد. همچنین وقتی او و کودکش را نزد حضرت آورد، بنا به نقلی فرمود: «او را ببرید و وقتی فرزندش را از شیر گرفت، بازآورید» بنا به نقل دیگر که اجرای حدّ او در همان زمان را گزارش می کند،

۱- محمد بن مسلم النیسابوری، صحیح مسلم، دارالفکر، بیروت، بی تا، ج ۲، ص ۱۹۸.

آن حضرت به زن امر کرد لباسش را بر روی صورت بگیرد و سپس حدّ را بر او جاری ساخت.

بعد از مرگ او، پیامبر بر بدنش نماز خواند و در پاسخ به رفتار و نگاه شگفت زده همراهان فرمود: «قسم به آن که جانم در دست اوست، این زن توبه ای کرد که اگر هفتاد گناه کار چنین می کردند، به آنها گشایش می دادم و آیا شما بهتر از این یافته اید که کسی خودش را پاک کند».(۱)

ایجاد فرصت برای پاک سازی روح و توجه به فرزند بی گناهی که زن در شکم داشت و اصرار و دقت در اجرای حدود الهی و در عین حال شفقت به زن گناه کار و پشیمان، از ویژگی های رفتار پیامبر با این زن است که به نظر می رسد هر یک از آنها قابل بحث و بررسی باشد.

اجرای حدود الهی در حق زنان عصیانگر

اجرای حدود الهی در حق زنان عصیانگر

روش رفتاری پیامبر با زنان مجرم و خطاکار، بر پایه گذشت و دادن فرصت برای تهذیب و پاک سازی به آنها بود. آن حضرت بااین شیوه، دیدگاه جامعه را نسبت به مجرمان تغییر داد. با این حال، در مواردی که خطا و لغزش افراد، به گسترش فساد و ناهنجاری های اخلاقی و اجتماعی می انجامید، پیامبر خدا با آن قاطعانه برخورد می کرد و حدود کیفری را در مورد آنها به اجرا می گذاشت.

نقل شده است که فاطمه بنت ابی الاسد که دختر برادر ابوسلمه و از

۱- دار القطنی، سنن، ج ۳، ص ۸۱.

خانواده های بزرگ قریش بود، هنگام بازگشت از حج (حجه الوادع)، از کاروانی، صندوقچه ای دزدید. از آنجا که وی برادرزاده ابوسَلمه بن عبدالاسد مخزومی بود، بزرگان قریش از وی حمایت کردند و از رسول خدا صلی الله علیه و آله خواستند وی را ببخشاید و حکم خداوند را درباره وی جاری نکند. ازاین رو، اسامه بن زید را که پیامبر بسیار به وی علاقه داشت، نزد آن حضرت فرستادند تا با وساطت خویش، مانع اجرای حدّ سرقت درباره فاطمه شود. پیامبر گرامی اسلام با دیدن اسامه فرمود:

ای اسامه! با من سخن مگو که چون اجرای حدود الهی به دست من افتد، راهی برای رهایی از آن نیست. حتی اگر فاطمه، دخترم نیز مرتکب چنین جرمی شده بود، دستش را قطع می کردم.(1)

سپس حکم را درباره فاطمه مخزومی اجرا کرد. بنا بر برخی روایت ها، رسول خدا صلی الله علیه و آله پس از مخالفت مشرکان درباره اجرای حکم فاطمه مخزومی، به دو نکته اساسی اشاره کرد: نخست آنکه در میان قوم یهود، حدود کیفری درباره برخی بزرگان قبایل که مرتکب جرمی شده بودند، اجرا نمی شد و میان بزرگان و افراد عادی برای اجرای حکم تفاوت قائل می شدند. ازاین رو، پیامبر خدا با چنین قانون و سنّت نادرستی به مخالفت پرداخت و همه را در برابر قانون الهی یکسان معرفی کرد. در این روایت، پیامبر خدا به نزدیک ترین و محبوب ترین فرد نزد خود؛ یعنی فاطمه زهرا علیهاالسلام اشاره

۱- سنن الکبری، ج ۴، ص ۳۳۲؛ اسد الغابه، ج ۵، ص ۵۱۸.

می کند و می فرماید حتی اگر از او نیز چنین جرمی سر بزند، با وجود نسبت نَسَبی و رتبه معنوی اش همین حکم را درباره او جاری خواهد کرد. در حقیقت، این سخن پیامبر یکی از راه های مبارزه با تفکر تبعیض آمیز و تعصب آلود جاهلی بود که هم بستگی خونی را بر کرامت و تقوای انسانی مقدّم می داشتند.

دوم آنکه پیامبر اعظم صلی الله علیه و آله در سخنان خود به این مسئله اشاره کرد که اجرای حدود درباره این زن، از رواج این جرم غیر انسانی (دزدی) در جامعه اسلامی جلوگیری خواهد کرد.

از یکی از همسران پیامبر گرامی اسلام نیز روایت شده است روزی زن دزدی را نزد رسول خدا صلی الله علیه و آله آوردند. آن حضرت حدّ را بر وی جاری و دستش را قطع کرد. آن گاه فرمود: «با این عمل می خواهیم از گسترش و رواج این جرم جلوگیری کنیم.» سپس فرمود: «اگر فاطمه، دختر محمد نیز چنین جرمی را مرتکب می شد، دستش را قطع می کردم».(۱)

ابن سعد، این زن را از قبیله بنی مخزوم دانسته، ولی از فرد دیگری غیر از فاطمه مخزومی نام می برد و می نویسد: وقتی انگشتان زن قطع شد، با دست خون آلود نزد همسر اسید بن حُضیر که از خاندان عَبْدُالْاَشْهَل بود، رفت و همسر اسید از وی مراقبت کرد تا سلامتی خود را بازیافت. وقتی اسید از حضور این زن در خانه باخبر شد، ماجرای مراقبت همسرش از وی را به پیامبر اکرم

۱- سنن النسایی، ج ۴، ص ۳۳۲.

صلی الله علیه و آله خبر داد. حضرت فرمود: «حال که بر او (زن دزد) رحم کردی، خداوند بر تو رحم و شفقت کند».(۱)

بنـا بر برخی روایـات این زن پس از قطع دسـتش توبه کرد و با مردی از قبیله بنی سـلیم ازدواج کرد و پس از این ماجرا هرگاه نیاز و حاجتی داشت، نزد رسول خدا صـلی الله علیه و آله می رفت و آن حضرت نیز حاجت وی را برآورده می ساخت.(۲) در حقیقت، پیـامبر گرامی اسـلام پس از اجرای حـدود الهی دربـاره مجرمـان، آنها را به حال خود وا نمی گـذاشت و با مهرورزی مشکلات آنها را حل می کرد تا بار دیگر به بی راهه کشیده نشوند.

پیامبر خدا در مواردی که به اسـلام و باورهای دینی مسـلمانان اهانت می شد، هیچ گونه وساطت و سفارشی را نمی پذیرفت و حکم الهی را اجرا می کرد.

عصـما، دختر مروان یکی از زنان عصـیانگری بود که مردم را بر ضـد پیامبرخدا و یارانش تحریک می کرد. وی اشـعار ننگینی می سـرود و در آنها به پیامبر و اسـلام توهین می کرد و پیوسـته احکام دین را زیر سؤال می برد. سرانجام عمر (عمیر) بن عدی بن امیّه خطمی وی را به دلیل کارهایش کشت. سـپس نزد رسول خدا صـلی الله علیه و آلهآمد و پرسـید آیا با کشـتن عصـماء، مرتکب گناه و نافرمانی شده است؟ پیامبر فرمود: «نه، به خاطر او (عصماء) حتی دو بز هم

۱- طبقات الکبری، ج ۸، صص ۲۶۳ و ۲۶۴؛ الاصابه، ج ۸، ص ۲۶۹.

۲- محمد بن اسماعیل بخاری، الصحیح بخاری، ج ۳، ص ۱۵۰؛ صحیح مسلم، ج ۵، ص ۱۱۵.

با یکدیگر شاخ به شاخ نخواهند شد.»(۱) در حقیقت، منظور پیامبر از به کار بردن این مثل آن بود که عصماء، ارزش این حرف ها را ندارد و این گونه مردن حق وی بوده است.

یکی دیگر از رفتارهای به ظاهر قهرآمیز پیامبر که در واقع مهرآمیز بود، رفتار آن حضرت با بُنانه، همسر حَکَم قُرَظی است. او از قبیله یهودی بنی قریظه بود که با مسلمانان دشمنی آشکار داشتند و تلاش های زیادی برای نابودی اسلام کرده بودند. سپاه اسلام در نبرد بنی قریظه به سوی برج ها و قلعه های یهودی حرکت کردند تا ریشه فتنه را بخشکانند. مسلمانان ابتدا آنان را به اسلام دعوت کردند و پس از مخالفت یهودیان و آغاز جنگ از سوی آنان، به جنگ پرداختند.(۲) بُناته همسر حَکَم که در پشت بام یکی از قلعه ها به همراه تنی چند از زنان مستقربود، به اشاره همسرش سنگ آسیاب بزرگی را به کمک زنان دیگر روی دیوار قرار داده بودند و با بی رحمی تمام، آن را بر سر تعدادی از مسلمانان انداختند. سنگینی سنگ و فاصله زیادی که بین بام قلعه و زمین بود، موجب متلاشی شدن اعضای بدن مسلمانان شد. این کشتار بی رحمانه و طاقت سوز بر مسلمانان به ویژه پیامبر بسیار سخت آمد؛ زیرا در کمال ناجوان مردی و بی مروتی و حتی خلاف اصول و قوانین جنگ در جاهلیت بود.

ص: ۵۶

۱- مغازی، ج ۱، صص ۱۷۲ و ۱۷۳.

۲- نک: طبری، تاریخ طبری، ج ۲، ص ۲۵۴.

پیامبر پس از این فاجعه فرمان کشتن آن زن را صادر کرد(۱) تا فرهنگ بی رحمی پانگیرد و عبرتی برای دیگران باشد. مسلما اگر از این گناه و جُرم چشم پوشی می شد و بُنانه مورد عفو پیامبر قرار می گرفت، بر روحیه مسلمانان اثر منفی می گذاشت؛ زیرا این فاجعه دلِ هر انسانی ــ اعم از مسلمان و غیرمسلمان ــ را به درد می آورد. برخی از نویسندگان غیرمسلمان با برجسته نمایی برخی رفتارهای پیامبر که تعداد آنها به انگشتان یک دست هم نمی رسد، می کوشند چهره اسلام به ویژه شخصیت پیامبر اعظم صلی الله علیه و آله مخدوش کنند. از جمله ویل دورانت که بخش مربوط به اسلام در کتابش تاریخ تمدن بسیار محدودتر از دیگر بخش هاست؛ به جریان عصماء، دختر مروان و سخن پیامبر درباره او اشاره کرده است و می نویسد:

پس از پیروزی در بدر، پیامبر اسلام نیرو گرفته و رسوم جنگ را به کار بست و به دفع مخالفان پرداخت، از جمله زنی شاعر به نام عصماء که با اشعار خود به پیامبر تعرض کرده بود، توسط عمیر ــ که نابینا بود ــ و به خانه او رفت و سینه اش را درید، کشته شد.(۲)

این قضاوت غیرمنصفانه که با نادیده گرفتن بیش از صد و پنجاه رفتار مهرآمیز و آمیخته با عفو و گذشت و رحمت حضرت، تنها به یک مصداق آن هم بدون تحلیل شخصیت مورد نظر (عصماء) پرداخته شود، نابخشودنی است. باید دانست کتاب های تاریخی پاره ای از خاورشناسان و غیر مسلمانان

ص: ۵۷

۱- مقریزی، امتاع الاسماع، لجنه التألیف و الترجمه و النشر، مصر، بی تا، ج ۱، صص ۲۴۸ و ۲۴۹.
۲- ویلیام جیمز دورانت، تاریخ تمدن عصر ایمان، بخش اول، ترجمه: ابوطالب صارمی و دیگران، تهران، انتشارات علمی و فرهنگی، ۱۳۷۳، ج ۴، ص ۲۱۵.

نیز مملو از این نوع داوری هاست که البته ضرری به حقیقت نخواهد زد؛ زیرا «آفتاب آمد دلیل آفتاب».

رفتار پیامبر خدا با هند، همسر ابوسفیان و عصماء متفاوت است. اگرچه هر دو آنها با رفتار خود به اسلام و مسلمانان ضربه های بسیاری وارد کردند، ولی هند توبه کرد و پیامبر توبه اش را پذیرفت، در حالی که عصماء نه تنها توبه نکرد، بلکه به کارهای خلاف خود ادامه داد و به چنین سرنوشتی گرفتار شد.

معیارها و حکمت های رفتار با زنان خطاکار

معیارها و حکمت های رفتار با زنان خطاکار

از مقایسه برخوردها و رفتار پیامبر گرامی اسلام با خطاکاران و عفو و بخشش ایشان در پاره ای موارد و اجرای حدود در موارد دیگر درمی یابیم که رهبر اسلامی می تواند تا آنجا که با قوانین اسلام منافاتی نداشته باشد، به صلاح دید خویش از گناه مجرمان بگذرد و در موارد لازم، حدود تعیین شده را اجرا کند. هنگامی که رهبر، معصوم بوده و از علم و عصمت که از ویژگی های اصلی و اساسی رهبری است، برخوردار باشد، حکم وی در هر دو مورد، عین حقیقت است. حال اگر رهبر، انسانی عادی و غیرمعصوم باشد، می تواند با عدالت و فقاهت، حکم درست و مناسبی را انتخاب کند و کمتر دچار اشتباه و لغزش شود.

با توجه به روایت های بیان شده درباره رفتار پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله با زنان خطاکار و مجرم، می توان این معیارها را تعیین کرد:

ص: ۵۸

۱. مجرمانی که هنگام ارتکاب گناه و لغزش، خارج از جرگه مسلمانان بودند، پس از پذیرش اسلام، همه گناهان و اشتباه های آنان بخشوده می شد و می توانستند در سایه دین اسلام زندگی تازه ای را آغاز کنند.

۲. رهبر اسلامی می تواند مجرمانی که از کرده های گذشته خویش پشیمان هستند و قصد جبران اشتباهشان را دارند و گناهانشان جنبه «حق الله» دارد، نه «حق الناس» ببخشاید.

۳. عفو و بخشایش مجرمان با هدف فراهم آوردن زمینه مناسب برای اصلاح و بازگشت این افراد به زندگی پاک و به دور از خطا صورت می گرفت. بنابراین، پس از عفو، به شیوه زندگی فرد عفو شده و مشکلات وی توجه می شد.

۴. رفتار با مجرمی که ارزش و شرایط برخورداری از حکم عفو را دارد، باید بر اساس «صفح» باشد، نه «عفو»؛ زیرا در صفح، فرد پس از آنکه بخشیده می شود، دیگر به سبب گناهان گذشته اش سرزنش نخواهد شد و می تواند با امنیت روانی و آرامش خاطر به زندگی خود ادامه دهد. توجه به جنبه های عفو و صفح از امور مهم در این زمینه است. گاه بخشودن مجرم، موجب سستی و ضعف باورهای امت اسلام یا ایجاد زمینه تساهل در اجرای احکام و حدود الهی می شود. در مواقعی نیز حساسیت یاوه گویان را برمی انگیزد و شایعه هایی مبنی بر روا داشتن تبعیض در اجرای احکام، از سوی مسئولان حکومتی را به وجود می آورد.

در ماجرای مجازات فاطمه مخزومیه، رسول خدا صلی الله علیه و آله به همه جنبه های قضیه توجه کرد. آن حضرت با اجرای حدّ الهی هم با قانون تبعیضی که میان

اعراب رواج داشت، مبارزه کرد و هم مسلمانان را از پی آمدهای این جرم و حدود الهی مربوط به آن آگاه ساخت. آن حضرت همچنین زمینه وارد شدن هرگونه اتهام به رهبر دینی در کوتاه آمدن از جرم فرد به دلیل شرافت خانوادگی متهم را از بین برد.

ص: ۶۰

فصل پنجم: تکریم زنان در سیره پیامبر اعظم صلی الله علیه و آله

اشاره

فصل پنجم: تکریم زنان در سیره پیامبر اعظم صلی الله علیه و آله

پیامبر گرامی اسلام در رفتار با زنان به کرامت انسانی و مقام «خلیفه اللهی» آنان توجه ویژه ای داشت و زن را به تناسب نقش مادری، همسری و دیگر ارزش های خاص وی تکریم و تمجید می کرد. در این فصل به برخی گونه های رفتاری پیامبر در تکریم و تعظیم مقام زن اشاره می کنیم.

قدرشناسی از زنان

قدرشناسی از زنان

قدرشناسی، از صفات پسندیده و ارزنده انسان است. پیامبر اکرم صلی الله علیه و آلهکه صاحب خلقی عظیم و اسوه ای نیکو برای همه انسان هاست، در بهره مند بودن از این صفت نیکو نیز سرآمد است. آن حضرت، به مناسبت های مختلف و در سخنان خویش از مادرانی که به وی شیر داده بودند و در پرورش ایشان نقش داشتند، همسرانی که در غم ها و شادی ها یار و یاورش بودند و زنان دیگری که به نوعی با زندگی آن حضرت رابطه داشتند، به نیکی، یاد و از آنان قدردانی می کرد.

رسول اعظم صلی الله علیه و آله همواره برای زیارت قبر مادر خود به اَبواء(۱) می رفت و

۱- سرزمینی است بین مکه و مدینه که آمنه، مادر پیامبر در آنجا مدفون است.

برای او نماز می خواند.

با انـدکی دقت در گزارش های تاریخی به عُمق مهر و محبت پیامبر نسـبت به زنانی که به آن حضـرت خـدمت کرده انـد، می توان پی برد. فـاطمه بنت اسـد یکی از این بـانوان است که بارهـا از سوی پیـامبر اکرم صـلی الله علیه و آله تحسـین شـد و حتی پیـامبر از او بـا عنوان «مـادر» یاد کرد. وی همسـر ابوطالب بود و نسـبت دیگری با پیامبر نـداشت، ولی پیامبر به علت گذرانـدن بخشـی از زنـدگی در خانه ابوطالب ــ پس از مرگ عبـدالمطلب ــ و مشاهـده مراقبت ها و رفتارهای خالصانه این بانو، وی را مـادر خـود می دانست و می فرمود: «کـانت اُمّی بَعَـد اُمّی الـتی ولـدتنی؛ این بـانو مـادر من است پس از مـادری که مرا به دنیا آورد.»(۱) پیـامبر همواره او را می سـتود و می فرمود: «بعـد از ابوطـالب هیـچ فردی مهربان تر از فاطمه بنت اسـد نسـبت به من نبود.»(۲) پیـامبر پس از مرگ فـاطمه، او را در پیراهـن خـویش کفن کرد. در تشـییع جنـازه او نیز شـرکت جست و بر پیکر این بانوی بزرگ نماز خواند و پس از گریه و سوگواری، وی را در قبر نهاد.(۳) به نظر می رسد ستودن این زن هم در کلام و هم در عمل نشان دهنده اوج حق شناسی و حسّ قدردانی در وجود حضرت محمد صلی الله علیه و آلهاست.

در روایتی آمده است مؤمنان در سفر حج، برای افرادی که به سفر حج و

۱- کنز العمال، ج ۱۳، ص ۶۳۶ .

۲- ذهبی، سیر اعلام النبلاء، ج ۲، ص ۱۱۸؛ استیعاب، ج ۴، ص ۴۴۶.

۳- استعاب، ج ۴، ص ۴۴۶.

زیارت خانه خدا و طواف نرفته بودند، طواف به جای می آوردند. پدر و مادر پیامبر و فاطمه بنت اسد، مادر حضرت علی علیه السلام از جمله افرادی بودند که پیامبر برای آنها طواف به جا می آورد.

در روایات گوناگون آمده است که پیامبر همواره حلیمه سعدیه، مادر رضاعی خود را می ستود و تا وقتی زنده بود، برای وی هدیه می فرستاد و به دیدارش می رفت.(۱)

نقل است روزی حلیمه نزد پیامبر آمد. پیامبر ردای خود را پهن کرد تا وی بر آن بنشیند. برخی افراد به این کار پیامبر اعتراض کردند. حضرت فرمود: «او، مادری است که مرا شیر داد».(۲)

رسول خدا صلی الله علیه و آله با ثوبیه، کنیز ابولهب نیز که چند روزی به پیامبر شیر داده بود، با احترام رفتار می کرد.(۳) پیامبر خدا حتی به خویشاوندان ثوبیه و حلیمه احترام می گذاشت. پیامبر با سلمی، خواهر حلیمه و شیماء، دختر وی و دیگر نزدیکان حلیمه سعدیه با محبت و احترام، رفتار و از آنان دل جویی می کرد. شیوه رفتاری پیامبر با شیماء، خواهر رضاعی اش قابل توجه است. شیماء، دختر حارث بن عبدالعزی و حلیمه سعدیه، در نبرد هوازن اسیر شد. وقتی

۱- ابن سعد، ج ۱، ص ۸۹.
۲- سلیمان بن اشعث ابوداوود، سنن ابی داود، تحقیق: سعید محمد اللحام، بیروت، دارالفکر، ۱۴۱۰ه . ق، ج ۵، ص۴۱۴.
۳- اسدالغابه، ج ۱، ۱۴ و ۱۵.

پیامبر دریافت که وی دختر حلیمه و خواهر رضاعی اش است، او را تکریم و احترام کرد و وی را در ماندن نزد خویش یا بازگشتن به میان قبیله اش مختار کرد. پس از آنکه شیماء تصمیم گرفت نزد اقوام خود بازگردد، وی را بدرقه کرد و هدایایی به او داد.(۱)

در مورد قدرشناسی پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله از حضرت خدیجه مطالب بسیاری وجود دارد و در سیره و سخنان پیامبر، نکته های قابل توجه زیادی دیده می شود که به علت درج این مطالب در کتاب های سیره از آنها می گذریم تا به درازگویی دچار نشویم. با این حال، از بیان رفتار پیامبر با زنانی که به نوعی با حضرت خدیجه علیهاالسلام مربوط بودند، نمی توان گذشت البته کتاب های موجود به این موضوع کمتر پرداخته اند. برای مثال، امّ زَفَر که نامش سُعَیْرَه بود، و بنا به نقل زبیر بن بکار، آرایشگر خدیجه علیهاالسلام بود،(۲) همواره مورد تکریم و احترام پیامبر قرار می گرفت. وی زنی سالخورده بود که به دیدار پیامبر می آمد و آن حضرت به او احترام می گذاشت و در پاسخ به اعتراض عایشه از این همه تکریم و بزرگداشت پیرزنی ساده می فرمود: «اَما عَلِمتِ اَنَّ کَرَمَ الوُدِّ مِنَ الایمانِ؛ آیا نمی دانی که گرامیداشت خوبان و دوستان نشانه ایمان است».(۳)

در گزارش های دیگری آمده است که پیامبر نسبت به دوستان و خویشان

ص: ۶۴

۱- مغازی، ج ۲، ص ۹۱۳.

۲- ابن حجر عسقلانی، مقدمه فتح الباری، دارالمعرفه، بیروت، بی تا، ص ۳۲۶.

۳- ابن سلامه، مسند شهاب، ج ۲، ص ۱۰۲.

حضرت خدیجه علیهاالسلام نیز مهربان بود و وقت ارزشمند خود را صرف احوال پرسی و فرستادن هدایایی برای آنان می کرد، به گونه ای که گاه حسادت همسران دیگرش برانگیخته می شد. پیامبر خدا در پاسخ به اعتراض آنان، از عظمت این بانوی بزرگ اسلام و نقش او در شکل گیری و رواج دین اسلام سخن می گفت.

نقل شده است وقتی ابوالعاص بن ربیع، همسر زینب، دختر رسول خدا صلی الله علیه و آله به اسارت مسلمانان درآمد، زینب، گردن بندی را که مادرش، خدیجه در شب عروسی به وی هدیه داده بود، برای آزادی شوهرش نزد پیامبر فرستاد. پیامبر با دیدن گردن بند یادگار خدیجه علیهاالسلام گریست. سپس به حرمت این بانوی بزرگوار از مسلمانان خواست ابوالعاص را بدون پذیرش فدیه آزاد کنند و گردن بند را به زینب بازگردانند. مسلمانان پیشنهاد پیامبر را پذیرفتند.(۱) روایت های بسیاری درباره سپاس و ستایش پیامبر خدا از خدیجه علیهاالسلام نقل شده است. عایشه می گوید: احترام و علاقه پیامبر نسبت به خدیجه علیهاالسلام و سخنانش درباره وی، حسادتم را برانگیخت، به گونه ای که از ایشان پرسیدم: آیا غیر از پیرزنی، چیز دیگری هم بود، در حالی که خداوند بهتر از او (جوان تر) را به تو بخشیده است؟ پیامبر از این سخن من خشمگین شد و فرمود:

ص: ۶۵

۱- ابن سعد، ج ۸ ، صص ۳۰ _ ۳۴؛ اسد الغابه، ج ۵، ص ۴۶۸؛ استیعاب،، ج ۴، ص ۲۱۵.

نه، نه، به خدا سوگند، بهتر از خدیجه را به من نداد. او در حالی به من ایمان آورد که مردم، کفر می ورزیدند و در حالی مرا تصدیق کرد که دیگران تکذیبم می کردند. با مال خویش مرا یاری و همراهی کرد، در حالی که مردم مرا [از یاری خویش]محروم کردند. خداوند از وی فرزندانی به من عطا کرد، در حالی که از فرزندان دیگر همسرانم محروم بودم.(۱)

عایشه پس از شنیدن اوصاف پیامبر درباره خدیجه علیهاالسلام، با خود عهد کرد هیچ گاه از خدیجه با بدی یاد نکند.

نقل شده است ام سُنبله، هدیه ای برای حضرت محمد صلی الله علیه و آلهآورد. همسران پیامبر بنا بر دستور خود ایشان، مبنی بر اینکه هدیه هر کسی را نپذیرند، هدیه وی را نپذیرفتند. ناگاه پیامبر سررسید و برخورد زنان را با ام سنبله دید. سپس فرمود:

این هدیه را بگیرید. به راستی که ام سنبله و قومش، بادیه نشینان ما هستند و ما شهرنشین آنها. هرگاه آنها را فرا خواندیم، پذیرفتند و هرگاه از آنان یاری جستیم، ما را یاری دادند.(۲)

رسول خدا صلی الله علیه و آله با این برخورد، از بادیه نشینان، دل جویی و قدرشناسی و به برخی ویژگی های آنان از جمله وفاداری، تعهد و شهامت اشاره کرد.

ص: ۶۶

۱- استیعاب، ج ۲، ص ۷۳.

۲- اسماعیل بخاری، تاریخ الکبیر، دیار بکر، المکتبه الاسلامیه، بی تا، ج ۳، ص ۴۴.

از جمله موارد دیگری که از قدرشناسی پیامبر از زنان حکایت می کند و منزلت زن را در میان اعرابی که هنوز رسوب تفکر جاهلی در اذهان آنها بر جای مانده است، بالا می برد، به موارد زیر می توان اشاره کرد:

۱. دیدار با خانواده شهیدان و دل جویی و سپاس گزاری از آنها به خاطر بردباری در مصایب روایت شده است پیامبر در خانه برخی از آنها می ماند و در مواردی آنها را یاری می رساند. همچنین هر گاه به قبا می رفت، به خانه اُمّ حرام می رفت و به او احترام می گذاشت؛ زیرا برادر ام حرام در کنار پیامبر شهید شده بود.(۱)

به خَنساء، مادر چهار شهید نیز احترام می نهاد و شعرهای او را تحسین می کرد.(۲)

۲. احترام و توجه به کنیزان و رفتار شایسته با آنان که از نظر اجتماعی در نگاه اعراب شبه جزیره جایگاهی نداشتند. شوخی و مطایبه(۳) با اُمّ ایمن، کنیز پدر و مادر آن حضرت که مراقبت از رسول خدا را در کودکی به عهده داشت و پس از مرگ مادر آن حضرت، همچنان در خدمت پیامبر بود و احترام به ثوبیه، کنیز ابولهب که پیش از این گفته شد و موارد دیگری که در منابع ذکر شده، از این نمونه ها است.

۱- الاصابه، ج ۴، ص ۴۴۱.
۲- نک: ابن سعد، ج ۸ ، ص ۳۶۷.
۳- الاصابه، ج ۸ ، ص ۱۱۰.

۳. توجه ویژه به زنانی که از اقشار ضعیف جامعه به شمار می روند و برجسته کردن ویژگی های فردی یا قوم و قبیله ای آنان. رفتار آن حضرت در مورد اُمّ سُنْبُلَه، که پیش تر گذشت، تفکر تبعیض آمیز با طبقه های فرودست اجتماع را زیر سؤال برد و مقام انسانی روستانشینان و شهرها را یکی دانست.

۴. عیادت از زنان بیمار و روحیه بخشی به آنان برای تحمل بیماری و تذکر اینکه بیماری مایه پاکی از گناهان می شود و دعا خواندن برای شفای آنان.

۵. حضور بر مزار زنان و مادران فداکار مسلمان نیز از نمونه های قدرشناسی آن حضرت است. گفته شده است هنگام مرگ عُمْرَهُ الرابِعَه، دختر مسعود بن قیس و مادر سعد بن عباده، صحابی پیامبر، پیامبر در دومه الجندل بود. ایشان هنگام بازگشت به مدینه و باخبر شدن از مرگ این زن بر سر مزار او رفت و برای آمرزش وی نماز خواند.(۱) در مورد اُمّ کَعْب یا اُمّ سَنان و نماز خواندن پیامبر بر پیکر آنها روایت مشابهی آورده شده است.(۲)

به طور کلی، رفتار قدرشناسانه پیامبر با اطرافیان به ویژه زنان و خویشاوندان، الگوی رفتاری مناسبی برای مسئولان و مربیان تربیتی و جامعه امروز است.

۱- ابن سعد، ج ۸، ص ۴۵۱.
۲- سنن، ج ۱، ص ۶۴۱ .

پذیرش «امان» زنان

پذیرش «امان» زنان

یکی از آداب و رسوم موجود در جوامع جاهلی و در میان اعراب شبه جزیره عربستان، امان دادن به خطاکاران یا رانده شدگان از سوی یک گروه یا قبیله بود. این سنّت را «حق الجوار» می نامیدند. افرادی که میان قوم خود و جامعه جایگاهی ویژه و مقام و موقعیت والایی داشتند، از این حق برخوردار بودند و می توانستند افرادی را زیر چتر «امان» خود قرار دهند. به این افراد، به اصطلاح «جواردهنده» می گفتند. پس از ظهور اسلام، این سنّت پسندیده که فرصت را برای بازگشت گنه کاران به زندگی سالم و پاک فراهم می ساخت، گسترش داده شد. در واقعه فتح مکه و در سفارش های پیامبر به مسلمانان که به صورت بیانیه صلح دوستانه برای فاتحان مکه خوانده شد، واژه «امان» فراوان دیده می شود. آن حضرت به فاتحان مکه این گونه سفارش کرد:

هر کس در خانه خود را ببندد [و در خانه اش بماند]، در امان است. هر کس به خانه ابوسفیان پناه ببرد، در امان است. هر کس سلاحش را بر زمین اندازد [و تسلیم شود]، در امان است... .(۱)

بر همین اساس، بزرگان مکه به حرم پناه آوردند. پیامبر نیز آنها را پذیرفت و بخشود. پس از فتح مکه، برخی از افراد که به شیوه های گوناگون،

ص: ۶۹

۱- سنن نسایی، ج ۶ ، ص ۳۸۲؛ سلیمان بن احمد صبرانی، معجم الکبیر، مکتبه ابن تیمیه، قاهره، بی تا، ج ۸ ، ص ۱۳؛ تاریخ الامم و الملوک، ج ۲، ص ۱۸۲.

ضربه های مهلکی بر اسلام و مسلمانان وارد کرده بودند، از مکه گریختند یا در جایی پنهان شدند تا جانشان در امان باشد. به گزارش مستند کتاب های مغازی و سیره، بسیاری از این مشرکان به واسطه امان خواهی همسرانشان از پیامبر بخشوده شدند و به مکه بازگشتند. یکی از این موارد، امان دهی ام هانی، دختر ابوطالب به شوهر و دو نفر از خویشاوندانش بود. پیامبر خدا نیز کارش را تأیید کرد که به نجات جان سه نفر انجامید.

هبیره بن عمرو بن عائذ مخزومی، همسر ام هانی، (دختر ابوطالب) یکی از ده نفری بود که پیش از فتح مکه، ریختن خون وی از سوی پیامبر مباح اعلام شده بود و هر مسلمانی می توانست وی را بکشد و ثواب زیادی به دست آورد. در واقعه فتح مکه، ام هانی به همسرش هبیره و دو نفر از خویشان او که اسلام را نپذیرفته و فرار کرده بودند، پناه داد. حضرت علی علیه السلام که در پی آن سه نفر بود، در حالی که نقاب بر چهره داشت، شمشیر به دست، به خانه اُم هانی وارد شد. ام هانی که علی علیه السلام را نشناخت، خود را دختر عموی رسول خدا صلی الله علیه و آله معرفی کرد. وقتی علی علیه السلامنقاب از چهره برداشت، اُم هانی وی را در آغوش گرفت. علی علیه السلاموقتی آن سه نفر مشرک را دید، شمشیر کشید. ام هانی به رسم عرب، پارچه ای بر سر آن سه نفر انداخت (کنایه از اینکه آنها در امان او هستند). سپس همراه علی علیه السلام نزد پیامبر آمد و ماجرا را گفت. حضرت فرمود: «خوش آمدی، ای فاخته؛ ام هانی!» سپس فرمود: «به درستی که هر کس را تو امان دهی، ما نیز امان داده ایم و هر کس

را پناه دهی، ما نیز پناه می دهیم».(1) ام حکیم و فاخته، دختر ولید بن مغیره نیز از زنانی بودند که برای همسرانشان از رسول خدا صلی الله علیه و آله امان گرفتند. عکرمه بن ابی جهل همسر ام حکیم، جزو ده نفری بود که عفو عمومی پیامبر شامل حالشان نشد. وی در صدر اسلام به کارهای ننگین و زشتی برای از بین بردن اسلام و پیامبر خدا دست زد. ام حکیم، پس از گریختن همسرش به یمن، نزد رسول گرامی اسلام آمد و از آن حضرت خواست تا شوهرش را امان دهد. پیامبر رحمت به وی امان داد. ام حکیم شتابان به دنبال همسرش رفت و وی را در سواحل تهامه یافت و خبر امان دادن پیامبر را به وی رساند. عکرمه پس از شنیدن سخنان همسرش مبنی بر امان دادن پیامبر به او، اسلام را پذیرفت. آن گاه به دیدار پیامبر رفت و از ایشان خواست تا اشتباه های گذشته وی و ستم هایی را که به ایشان روا داشته است، ببخشاید و نادیده بگیرد. پیامبر سر به آسمان برد و فرمود:

بار پروردگارا! هرگونه ستمی که او (عکرمه) به من روا داشته، ببخشای و هر حرکتی که برای خاموش کردن نور تو انجام داده و هر راه [اشتباهی]که رفته است، ببخشای و هر آبرویی که در حضور یا غیبتم از من برده است، نادیده بگیر.(2)

این ماجرا در کتاب های تاریخی دیگر با تفصیل بیان شده است. مالك بن

۱- سیره النبی، ج ۴، ص ۵۳؛ هشام بن محمد بن صائب ابن کلینی، جمهره انساب العرب، تحقیق: محمود فردوس العظم، سوریه، دارالیقظه العربیه، ۱۹۳۹م.

۲- مغازی، ج ۲، صص ۸۵۱ و ۸۵۲؛ دارالقاب العربی، ۳۸۸.

انس و طبری، نام ام حکیم و فاخته، همسر صفوان را در شمار اسامی زنانی آورده اند که پیش از همسرانشان اسلام را پذیرفتند.(۱) افزون بر این دو زن، از زنان دیگری چون ربطه، دختر مُنبّه و همسر عمروعاص، سلافه، دختر سعد بن شهید که به اُم بنی طلحه شهرت داشت و چند نفر دیگر نیز نام برده شده است که برای همسرانشان از پیامبر خدا امان گرفتند.(۲)

پیامبر اعظم صلی الله علیه و آله، نه تنها در ماجرای امان دادن، بلکه در مواردی مثل حکم «ظهار»(۳) نیز شفاعت زنان را درباره شوهرانشان می پذیرفت. خوله، دختر ثعلبه بن اصرم، همسر پسر عمویش، اوس بن صامت بن قیس بود. بنا بر حکم ظهار در جاهلیت، نباید این زن و شوهر از یکدیگر جدا می شدند. بر همین اساس، خوله نزد پیامبر آمد و گفت اوس مالی ندارد و جز او کسی بر اوس انفاق نمی کند. پس از سخنان این زن، آیه های نخستین سوره مبارکه مجادله نازل شد.(۴) پیامبر پس از خواندن آیات فرمود: «اوس برای سخنی که گفته است، کفاره بدهد و نزد همسرش بازگردد.» از آنجا که رسول خدا صلی الله علیه و آلهبرای زنان به ویژه زنان فداکار و مؤمن ارزش بسیاری قائل بود،

۱- مالک بن انس، الموطأ، بیروت، دارالکتاب العربی، ۱۳۸۸ه . ق، ص ۳۷۱؛ تاریخ طبری، ج ۲، ص ۱۱۸.
۲- جمهره انساب العرب، ج ۱، ص ۱۱۶؛ تاریخ طبری.
۳- ظهار یکی از احکام جاهلی است که پس از ظهور اسلام نیز با تغییر و تخفیف حکم بر جای ماند. در زمان جاهلیت اگر مردی زنش را ظهار می کرد، همسرش بر او حرام می شد و باید از یکدیگر جدا می شدند. در اسلام مرد با پرداخت کفاره می تواند با همسرش رابطه داشته باشد.
۴- نک: مجادله: ۱ و ۲.

شفاعت و وساطت خوله را درباره همسرش پذیرفت.

افزون بر این، پیامبر رحمت، زنان و دخترانی را که مسلمان شده و به مدینه هجرت کرده بودند، گرچه جزو خانواده دشمنان آن حضرت بودند، امان می داد و از آنها مراقبت می کرد. ام کلثوم، دختر عقبه بن ابی محیط یکی از دخترانی بود که بدون اجازه خانواده اش و پنهانی به مدینه هجرت کرد. پیامبر خدا بر اساس مفاد صلح نامه حدیبیه باید وی را به قبیله اش و نزد قریش باز می گرداند.(۱) وقتی دختر جوان، شرح حال خود و ترس از آزار خانواده اش را برای ام سلمه تعریف کرد و پیامبر از ماجرا آگاه شد، وی را پناه داد و به او خوش آمد گفت. نقل شده است ام کلثوم پس از هجرت به مدینه، نزد پیامبر آمد و گفت: ای رسول خدا! من به دین اسلام و تو [پناه آورده ام]. پس مرا به قومم باز مگردان که آنها عذابم خواهند کرد و من بر شکنجه هایشان صبر و طاقت ندارم. من یک زن هستم و شما از ضعف جسمانی زنان آگاه هستی. من دیده ام که مردان را به قبیله هاشان باز می گردانی، ولی من زن هستم. رسول رحمت پس از شنیدن سخنان ام کلثوم فرمود: «خداوند، وفای به پیمان حدیبیه را درباره زنان شکست».(۲)

نقل شده است ولید و عماره، برادران ام کلثوم، برای بازگرداندن خواهرشان نزد پیامبر آمدند، ولی حضرت وی را بازنگرداند و از وی حمایت و

۱- ابوالحجاج یوسف، تهذیب الکمال، تحقیق: بشار عواد معروف، بیروت، مؤسسه الرساله، ۱۴۱۳، چ ۱، ج ۲۸، ص ۳۱۴.

۲- مغازی، ج ۱، ص ۶۱۱.

سرپرستی کرد. سپس وی را به ازدواج زید بن حارثه درآورد. ابن جوزی می نویسد: «ام کلثوم وقتی که به مدینه هجرت کرد، هنوز ازدواج نکرده بود و به جز او هیچ زن قریشی دیگری از خانواده و قوم خود جدا نشد و هجرت نکرد».(۱)

پنـاه دادن به درّه، دختر ابولهب و حمایت از وی(۲) از دیگر نمونه هـای رفتاری پیامبر با زنان و پناه دادن به زنان بی پناه است. آن حضرت، زن ولید را نیز که شوهرش او را آزار می داد، پناه داد و واژه «جوار» را برای وی به کار برد. احترام و ارزش دهی رسول خدا صلی الله علیه و آله به زنان و پذیرش امان خواهی آنان برای شوهرانشان، از یک سو، حقوق و ارزش های پای مال شده زنان را زنده می کرد و از سوی دیگر، زمینه مناسبی را برای بازگشت و توبه همسران آنان فراهم می ساخت.

بسـیاری از کسـانی که بر اثر شـرایط نامنـاسب سیاسـی ـ اجتمـاعی یـا تربیت نادرست خانوادگی، به فساد و تباهی کشـیده می شوند، پس از ایجاد زمینه فرهنگی و تربیتی مناسب و یافتن فرصت برای توبه و اصـلاح، ارزش حقیقی خویش را پیدا می کنند و می توانند نقش های مؤثر و مثبتی در جامعه ایفا کنند.

۱- ابوالفرج ابن جوزی، صـفه الصفوه، تحقیق: عبدالرحمان اللادقی و حیاه شحااللادقی، بیروت، دارالمعرفه، ۱۴۲۶ه . ق، ج ۲، صص ۵۶ و ۵۸. وفای به عهد در سنّت عرب، به ویژه در آموزه های اسلامی از فضایل به شمار می رفت و شکستن عهد نه تنها بخشیده نمی شد، بلکه زمینه جنگ را نیز فراهم می ساخت، ولی پیامبر در موارد ویژه بر اساس حکم الهی عمل می کرد و این عمل پیامبر نقض عهد نبود.

۲- ابن ابی عاصم، الآحاد و المثانی، دارالدرایه، بی جا، ۱۴۱۱ هـ . ق، ج ۵، ص ۴۷۱.

این همـان نکته ای است که رسول خـدا صـلی الله علیه و آله بر آن تأکیـد و بر اسـاس آن عمـل کرد که اکنون الگوی مناسبی برای مسئولان فرهنگی و اجتماعی جامعه ما به شمار می رود.

تکریم نقش های اصیل همسری و مادری

تکریم نقش های اصیل همسری و مادری

اساسـی ترین و مهم ترین مسـئولیت زنـان، تربیت نسـل سـالم و صالـح است. این مسـئولیت در رونـد سـالم سـازی جامعه نقش بسـزایی دارد. بر همین اسـاس، اسـلام به نقش پرورشـی زنـان توجهی ویژه دارد. زنان در جامعه نقش های دیگری چون نقش سیاسی، اجتماعی، علمی، فرهنگی و هنری نیز بر عهده دارند، ولی همه این نقش ها تحت الشعاع نقش اصیل همسری و مادری است. رسول اعظم صـلی الله علیه و آله بـا شـیوه هـا و رفتارهـای ویژه خود بـا زنان، اهمیت این نقش را به مسـلمانان و جهانیان گوشزد کرد. سفارش پیامبر به مسلمانان درباره مادران و تکریم و احترام آنها در روایت های گوناگونی به چشم می خورد که پرداختن به آن در این مجال نمی گنجد.

تجلیـل پیـامبر از مقـام مـادر اعم از نَسَبی و رضـاعی یکی از نمونه هـای برجسـته قدرشـناس بودن او است. اولین بانویی که در زندگی پیامبر نقشی مهم و اساسی داشت، مادر آن حضرت؛ یعنی آمنه بنت وهب بود. بنا به قول مشهور، این بانوی بزرگوار و باحیا (محتشـمه) دوران بارداری خود را درحالی سپری می کرد که در مصیبت و سوگ همسر جوانش، عبدالله به سر می برد و فرزند خود را در این شرایط روحی سخت به دنیا آورد. گرچه مادر آن

حضرت پس از تولد او، به دلایل گوناگون،(۱) فرزند خود را به حلیمه سعدیه سپرد و فاصله ای قابل توجه (بیش از سه سال) بین مادر و فرزند افتاد ولی محمد صلی الله علیه و آله شیرینی همان لحظه های کوتاه با مادر بودن را فراموش نکرد و از آن روزها به خوبی یاد می کرد:

در سفری که با مادرم به مدینه رفتیم، مردی یهودی مرا نگریست و با فاصله ای بار دیگر نگاهم کرد و نامم را پرسید. گفتم: احمد. در حالی که به پشت من نگاه کرد، شنیدم که می گفت: او همان پیامبر این امت است. سپس نزد برادران یهودی خود رفت و به آنان خبر داد. وقتی این خبر به مادرم رسید، برای من ترسید و از مدینه خارج شدیم و او در ابواء از دنیا رفت و در آنجا دفن شد.(۲)

گفته شده است پس از هجرت به مدینه هرگاه پیامبر به خانه ای می رسید که مادرش قبل از رحلت به مدت یک ماه در آنجا سکونت داشت، با حالتی غمگنانه می فرمود: «هنا نَزَلَت بی اُمّی؛ اینجا همان جایی است که با مادرم در آن ساکن بودیم.»(۳) همچنین هنگام بازگشت از عمره ای که به صلح حدیبیه انجامید، در

۱- از جمله رسم عرب بر این بود که خاندان های شریف، فرزندانشان را شیر نمی دادند و به زنان معروفی که هر ساله برای گرفتن کودکان شیرخواره و پرورش جسم آنان در بادیه ها به مکه می آمدند، می سپردند دلیل این کار ممکن بود ترس توطئه یهود یا تألمات روحی که پس از مرگ همسر ایجاد می شد و یا دلایل دیگری باشد که از بحث ما خارج است.
۲- علی بن یوسف حِلّی، العدد القویه، تحقیق: سیدمهدی الرجایی، کتاب خانه آیت الله مرعشی، سال ۱۴۰۸ه . ق، چ ۱، ص ۱۲۶؛ ابن کثیر، السیره النبویه، ج ۱، ص ۲۳۵. این مطلب از ام ایمن نقل می کند.
۳- محمد بن یوسف صالحی الشامی، سُبل الهدی فی سیره خیر العباد، تحقیق: شیخ عادل احمد عبدالموجود، بیروت، دارالکتب العلمیه، ۱۴۱۴ هـ . ق، چ ۱، ج ۹، ص ۳۹۶.

ابواء فرمود: «ان الله قد اذن لمحمّد فی زیاره قبر اُمِّهِ؛ خداوند به محمد در مورد زیارت قبر مادرش اجازه داده است».(۱)

نکته جالب در مورد رابطه پیامبر و آمنه ــ با وجود کوتاهی مدت زندگی با مادر ــ این است که آن حضرت در موقعیت های گوناگون، ویژگی ها و اخلاق شایسته مادر را یادآوری می کرد و به فردی که با تکلف و آداب ویژه شاهان با آن حضرت سخن می گفت، فرمود: «هَوّن علیک فَلَستُ بمَلِكٍ انّما اَنَا ابن امرأهٍ کانت تأکل القد؛ راحت باش. من پادشاه نیستم. من فرزند زنی هستم که گوشت خشکیده می خورد.»(۲) سادگی و ساده زیستی آمنه در این کلام ستوده شده و اینکه پیامبر با انتساب به مادرش، خود را معرفی می کند، نشانه قدرشناسی اوست و موجب تعظیم مقام مادر می شود.

این اخلاق نیک را در مورد مادر رضاعی آن حضرت نیز می بینیم که تا پایان عمر، او را می ستود و مورد تکریم و تعظیم قرار می داد. پیامبر اعظم صلی الله علیه و آله با تکریم حلیمه سعدیه، مادر رضاعی خود و پهن کردن ردای خویش زیر پای او و فرستادن هدایایی برای او، تکریم و تعظیم مادر را به افراد می آموخت.(۳) نقل شده است وقتی پس از فتح مکه، قبیله حلیمه برای بیعت با پیامبر نزد ایشان آمدند، آن حضرت احوال مادر رضاعی خود را جویا شد و

۱- ترمذی، سنن الترمذی، ج ۲، ص ۲۵۹.
۲- حسن بن فضل طبرسی، مکارم الاخلاق، بیروت، مؤسسه الاعلمی للمطبوعات، بی تا، ص ۱۶.
۳- سنن، ج ۵، ص ۴۱۴؛ ابن سعد، ج ۱، ص ۸۹ .

وقتی خبر رحلتش را شنید، گریست. آن گاه به احترام وی خانواده اش را تکریم کرد و از وضعیت مالی آنها پرسید و هدایایی برای آنان فرستاد.(۱) آن حضرت همچنین برای ثوبیّه، همسر ابولهب نیز که چند روزی به وی شیر داده بود، هدایای زیادی فرستاد و برای آزادی وی که کنیز بود، تلاش بسیاری کرد.(۲)

آن حضرت برای مقام مادر چنان ارزش قائل بود که وقتی در دومه الجندل از مرگ مادر سعد بن عباده، یکی از صحابه خود باخبر شد، بسیار ناراحت گشت. آن گاه پس از بازگشت به مدینه بر سر مزار وی رفت و برای او نماز خواند و آمرزش خواست.(۳)

در روایت های دیگری، به رفتار پیامبر با مادران صحابه نیز اشاره شد که نشان دهنده توجه و تأکید آن حضرت به تعظیم و تکریم مقام مادر است. ماجرای اویس قَرنی و پای بندی وی به عهدی که با مادرش برای بازگشت سریع بسته بود، حتی پیش از آنکه محبوبش رسول خدا صلی الله علیه و آله را ببیند، در تاریخ مشهور است. این جوان یمنی که برای دیدار پیامبر به مدینه آمده بود، وقتی باخبر شد که حضرت در مدینه نیست، به دلیل قولی که به مادرش داده بود، بدون اینکه پیامبر را ببیند، به یمن بازگشت. وقتی پیامبر از این ماجرا و

۱- مغازی، ج ۲، ص ۸۶۹ .

۲- اسد الغابه، ج ۱، صص ۱۴ و ۱۵.

۳- ابن سعد، ج ۸ ، ص ۴۵۱.

احترام و تکریم اویس به مادرش آگاه شد، با اینکه وی را ندیده بود، فرمود:

من بوی بهشت را از قرن می شنوم. بشارت می دهم شما را به مردی از امتم که وی را اویس قرنی می نامند و شفاعت می کند همانند ربیعه و مُضَر.(۱)

نکته مهم در رفتار پیامبر با مادران، توجه آن حضرت به مسائل مهم تربیتی و استفاده از همه فرصت ها برای آموزش این آموزه های تربیتی به مادران است.

نقل شده است لیلی بنت اَبی حَثْمَه به فرزندش عبدالله بن عامر گفت: اگر نزد من بیایی، به تو خرما می دهم. پیامبر سخن وی را شنید و فرمود: «اگر به فرزندت چیزی ندهی، [دروغ گفته ای] و دروغ گو خواهی بود».(۲)

پیامبر با این سخن خود، به شکل غیرمستقیم به مادران آموزش داد که نباید به کودکان دروغ بگویند؛ زیرا آنها الگویی برای فرزندان خود هستند و فرزندان از آنها پیروی می کنند.

در اسلام و روایات معصومین علیهم السلام، به احترام و خدمت به مادر بسیار تأکید و هم ردیف جهاد در راه خدا شمرده شده است. در حدیث از پیامبر گرامی اسلام نقل شده است: «أَلْجَنَّهُ تَحْتَ ظِلالِ السُّیُوفِ»(۳) و «الْجَنَّهُ تَحْتَ أَقْدامِ

۱- شمس الدین محمد ذهبی، سیر اعلام النبلاء، تحقیق شعیب الارنوؤط و حسین الاسد، بیروت، مؤسسه الرساله، چ ۷، ۱۴۱۳، ج ۴، ص ۲۰؛ اسد الغابه، ج ۱، ص ۱۵۲.

۲- اسدالغابه، ج ۵، ص ۵۴۱.

۳- تاریخ طبری، ج ۴، ص ۲۸.

الْأَمِّهاتِ»[(۱)] بهشت در سایه جهاد و زیر قدم های مادران است. در حقیقت، هدف پیامبر از هم ردیف قرار دادن جهاد در راه خدا و احترام و خدمت به مادر، تبیین ارزش و جایگاه مادران است. نقل شده است معاویه بن جاهمه السَلَمی نزد پیامبر اعظم صلی الله علیه و آله رفت و اجازه جهاد خواست و پرسید: آیا در این کار، رضای خدا و آخرت هست؟ پیامبر فرمود: آیا مادر تو زنده است؟ گفت: آری. حضرت فرمود: «بازگرد و به او نیکی کن.» معاویه بن جاهمه چندین بار برای شرکت در جهاد پافشاری می کرد و هر بار همان پاسخ را از پیامبر شنید. وقتی پیامبر پافشاری وی را برای شرکت در جنگ دید، فرمود: «وای بر تو! همراه و در رکاب او (مادر) باش؛ که بهشت آنجاست».

مقام و جایگاه مادر از نظر شریعت مقدس اسلام و رسول اکرم صلی الله علیه و آله و امامان معصوم علیهم السلام بسیار والا و ارزشمند است، به گونه ای که نقش مادری بر دیگر نقش ها و مسئولیت های زنان برتری دارد و در صورتی که دیگر نقش ها، این نقش مهم و اصلی را تحت الشعاع قرار دهند، باید آنها را کنار گذاشت و نقش مادری را انتخاب کرد.

تکریم زنان شاغل

تکریم زنان شاغل

هیچ یک از آموزه های دینی با کار کردن زنان مخالف نیستند، بلکه در اسلام، زنان شاغل همواره از ارزش و احترام برخوردار بودند. آنچه در اسلام

ص: ۸۰

۱- مستدرک الوسایل، ج ۱۵، ص ۱۸۰، ح ۱۷۹۳۳؛ کنز العمال، ج ۱۶، ح ۴۵۴۳۹.

درباره کار زنان مطرح است، حفظ حدود و احکام الهی و حضور عفیفانه آنها در جامعه است. اسلام، استفاده ابزاری از زیبایی ها و ویژگی های خاص زن را ناپسند می شمارد؛ زیرا این امر، بنیاد خانواده و اجتماع را به مخاطره می اندازد، ولی در صورتی که کار زنان با عفت و پاک دامنی آنها منافاتی نداشته باشد، آن را می پذیرد.

برخی نمونه های رفتاری پیامبر با زنان شاغل و سفارش های آن حضرت به این گروه از زنان، تأییدکننده درستی کار زنان از نظر اسلام و پیامبر است. در روایت ها آمده است که آن حضرت با زینب عطّاره (عطر فروش) با خوبی و احترام رفتار می کرد و به او می فرمود: «هرگاه تو نزد ما می آیی، خانه ما خوش بو می شود.» آن گاه از فرصت استفاده می کرد و روش درست معامله را به وی می آموخت و می فرمود:

هرگاه چیزی می فروشی، [جنس] خوب بفروش و غش [در معامله]مکن که این کار، برای دارایی و مال، پاک تر و برای ماندن آن، بهتر است.(۱)

آن حضرت همواره به زنان خویش سفارش می کرد از زینب عطّاره (حولاء) عطر بخرند. ملیکه، مادر سائب بن افرع نیز عطر می فروخت. روزی پیامبر وی را دید و به او فرمود: اگر حاجت و نیازی داری بگو. ملیکه از آن حضرت خواست برای پسرش دعا کند. پیامبر دستی بر سر پسر ملیکه که

۱- الاصابه، ج ۴، ص ۲۷۸.

همراه وی بود، کشید و برایش دعا کرد.(۱) ریطه، دختر عبدالله و همسر عبدالله بن مسعود نیز صنعتگر بود و با فروش کارهای دستی و صنعتی، زندگی خود و فرزندانش را اداره می کرد. پیامبر نه تنها وی را از این کار باز نداشت، بلکه تشویقش کرد و پاداش اخروی را به وی نوید داد.(۲)

شرایط موجود پس از هجرت و سختی زندگی مهاجران در مدینه موجب شده بود که زنان تأمین بخشی از هزینه زندگی را بر عهده گیرند. در روایتی آمده است که سعیره الاسدیه پشم، مو و لیف جمع می کرد و با آن کارهای دستی زیبایی می بافت و آنها را می فروخت.(۳)

پیامبر حتی با زنان آرایشگر نیز با خوبی و مهربانی رفتار می کرد. نقل شده است که اُم سنان آرایشگر بود و در نبرد خیبر حضور داشت. پس از فتح خیبر، پیامبر به زنان خود فرمود: «آرایشگری همراه شما هست. پس خود را به دست او بیارایید.»(۴) همچنین در روایت ها آمده است روزی آرایشگری به نام اُم رعله، در حرفه خود دچار شبهه و تردید شد، مبادا این کار مخالف اسلام باشد. ازاین رو، نزد پیامبر آمد و گفت: ای رسول خدا! من آرایشگر هستم و زنان را برای همسرانشان آرایش می کنم و زینت می دهم. آیا این عمل گناه

۱- اسدالغابه، ج ۵، ص ۵۴۹.
۲- طبقات الکبری، ج ۸ ، ص ۲۰۵.
۳- الاصابه، ج ۸ ، ص ۱۰۸.
۴- همان، ص ۳۹۰.

است و بایـد این حرفه را کنـار بگـذارم؟ پیـامبر فرمـود: «ای ام رعله! زنـان را هنگـام بی تـوجهی همسـرانشان به آنهـا، زینت و آرایش کن».(۱)

همچنین شفاء (لیلی)، دختر عبدالله بن عبد شمس از زنان عاقل و فاضل قریش به شمار می رفت که نوشتن را به خوبی آموخته بود. وی هم در عصـر جـاهلیت و هم پس از ظهور اسـلام اصول نگـارش را به زنـان مکه و مـدینه می آموخت. پیامبر بسـیار به دیدن این بانو می رفت و وی را تکریم و احترام می کرد. در روایتی آمده است که شـفاء درباره کارش با پیامبر مشورت کرد. آن حضرت به وی اجازه داد کارش را ادامه دهد.

در زمان پیامبر اسـلام، افزون بر حرفه هایی چون صـنایع دستی، آرایشگری و آموزش که از امور متناسب با روحیه و شخصیت زنـان بود، آنـان به تجـارت نیز می پرداختنـد. قیله معروف به ام انمـار نیز در زمان رسول خـدا صـلی الله علیه و آلهبه تجارت و خرید و فروش کالا مشـغول بود. روزی نزد پیامبر اسلام آمد و درباره اصول خرید و فروش و چگونگی تجارت با آن حضرت مشورت کرد تا از راهنمایی های پیامبر اسـتفاده کند. وی به رسول خدا صلی الله علیه و آلهگفت جنسی را با شگردی خاص به قیمت ارزان می خرد و هنگام فروش، همان جنس را با شـگرد و روشـی خاص، به قیمت گران می فروشـد، بدون آنکه مشتری متوجه حیله او شود. پیامبر پس از شـنیدن سـخنان وی نه تنها او را از معامله و خرید و فروش نهی نکرد، بلکه راه درست معامله را به او آموخت و به او امر

۱- اسد الغابه، ج ۵، ص ۵۸۲.

کرد از حیله گری و غش در معامله بپرهیزد.(۱)

در زمان رسول خدا صلی الله علیه و آلهبرخی از زنان نیز به چوپانی مشغول بودند. یکی از این زنان چوپان، سلامه الصبیّه از قبیله بنی فزاره بود. روزی پیامبر وی را دید و از او درباره باورهایش پرسید.(۲) در عصر نبوی، زنان به طبابت نیز می پرداختند. در روایت ها آمده است کُعَیبه بنت سعد اسلمیه به دستور پیامبر خدا در مسجدالنبی خیمه ای برپا کرده بود و بیماران را مداوا می کرد. نقل شده است سعد بن معاذ که در نبرد خندق مجروح شده بود، به دست کُعیبَه درمان شد.(۳) رفیده اسلمیّه نیز خیمه ای برای مداوای بیماران داشت. به گفته ابن اسحاق، خیمه اش در مسجدالنبی بود و وی برای رضای خداوند متعال، به درمان بیماران می پرداخت و سعد بن معاذ نزد او مداوا شد.(۴)

رسول خدا صلی الله علیه و آله با این کار، هم به فعالیت های زنان، ارزش می بخشید و هم یادآوری می کرد اگر زنان، متناسب با ویژگی های جسمی و روحی و با حفظ شخصیت و عفاف خود در اجتماع حضور داشته باشند، با مردان برابر خواهند بود.

نقل شده است ام مبّشر انصاری، مالك نخلستانی در مدینه بود و کارگران

ص: ۸۴

۱- ابن سعد، ج ۸، ص ۳۱۱.
۲- عصمه الدین کرکر، المرأه فی العهد النبوی، ص ۳۰۹.
۳- مغازی، ج ۲، ص ۵۱۰؛ الاستیعاب، ج ۴، ص ۱۹۰۷. به نظر می رسد کعیبه و رفیده یك نفر باشند؛ زیرا سعد بن معاذ یك بار آن هم در خیمه ای در مسجدالنبی مداوا شد.
۴- سیره النبی، ج ۳، ص ۷۲۰.

زیادی برای او کار می کردند. روزی در حالی که دوران عده را سپری می کرد، خواست برای رسیدگی به امور نخلستان خود از خانه خارج شود. خواهرزاده وی جابر بن عبدالله مانع وی شد. ام مبشر به سرعت نزد پیامبر خدا رفت و ماجرا را برای آن حضرت تعریف کرد. حضرت به وی اجازه خروج از خانه و کار در حال عده را داد و فرمود: «به نخل هایت رسیدگی کن؛ زیرا امید است زکات بپردازی یا احسان کنی».(۱)

احترام به کار زنان و محدود نکردن آنان، راهنمایی و کمک به آنها برای انتخاب کار متناسب با ویژگی های جسمی و روحی زنانه و توجه به نقش اصلی و اولیه زن به عنوان مادر و همسر نیز از دیگر الگوهای مناسب رفتاری پیامبر است. بدیهی است هرگاه حضور اجتماعی و کار کردن زن با وظیفه اصلی و مهم او که همان نقش همسری و مادری است، تعارض داشته باشد، انجام مسئولیت مهم مادری و همسری بر کار ترجیح خواهد داشت. تربیت فرزندانی سالم و صالح، حفظ کانون خانواده، همسرداری نیکو و حفظ سلامت معنوی و روانی خانواده و جامعه از مهم ترین و اساسی ترین وظایف زنان است.

۱- صحیح مسلم، ج ۲، ص ۲۲۱.

فصل ششم: جایگاه زنان در خانواده از نگاه پیامبر اعظم صلی الله علیه و آله

اشاره

فصل ششم: جایگاه زنان در خانواده از نگاه پیامبر اعظم صلی الله علیه و آله

خانواده به عنوان اساسی ترین واحد اجتماعی که شخصیت و اساس وجودی انسان در آن شکل می گیرد، همواره مورد توجه اسلام و رسول خدا صلی الله علیه و آلهبود. پیامبر به منظور حفظ استحکام این کانون پُر مهر، در سفارش هایی به زنان و مردان مؤمن، حقوق و وظایف متقابل هر دو طرف را مشخص کرده است. آگاه کردن افراد خانواده از وظایف و حقوق متقابل هر یک، از مهم ترین بخش های فعالیت های تربیتی و فرهنگی در جامعه دینی است. در سخنان و آموزه های دینی معصومین علیهم السلام به اهمیت و نقش روابط عاطفی و روانی اعضای خانواده با یکدیگر و توجه به نیازهای عاطفی، جسمی، روانی و اجتماعی یکدیگر، در سالم سازی خانواده و جامعه، اشاره و وظایف و حقوق هر یک از اعضای خانواده بیان شده است.

رفتار پیامبر با زنان در محیط خانواده و توجه به روابط حساس و اثرگذار اعضای خانواده، اهمیت این مسئله را بیش از پیش آشکار می سازد. در این فصل از نوشتار، نخست به رفتار پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله با زنان در حوزه خانواده می پردازیم. سپس رفتار آن حضرت را با همسران خود، به عنوان الگویی ارزنده و مناسب، به انسان و جامعه امروز معرفی می کنیم.

ص :۸۶

نقش زنان در تقویت و تحکیم روابط خانوادگی

نقش زنان در تقویت و تحکیم روابط خانوادگی

پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله همواره در سخنان خود، زنان متأهل را به رعایت حقوق متقابل زناشویی سفارش می کرد. آن حضرت، از هر فرصتی برای روشنگری زنان نسبت به اهمیت همسرداری و توجه به حقوق و علایق همسرانشان بهره می برد. برای نمونه، به قسره دختر رواس تأکید کرد که اطاعت از همسر، وی را برای دوری از شر دنیا و آخرت کفایت می کند و نیکی به پدر و مادر، خیر دنیا و آخرت را برای وی افزون می سازد. حدیث ارزنده «جهاد زن، نیکو همسرداری کردن است»(۱) از جمله سفارش های پیامبر به زنان است.

آنچه از واژه «جهاد» به ذهن می رسد، در سختی بودن، آسیب دیدن، اسارت، شهادت و مدیریت شایسته در موقعیت های بحرانی و حساس است. پیامبر خدا، تدبیر امور خانه، سالم سازی روابط خانوادگی، نیکو همسرداری و تحکیم پیوندهای عاطفی میان اعضای خانواده و فامیل را در حکم و هم ردیف جهاد در راه خدا دانسته است. در حقیقت، زن باید با همه مشکلات و سختی های پیش رو بجنگد و با خلاقیت و مدیریت خویش، بحران های خانواده را برطرف کند.

نقل شده است عمه حصین بن محصن نزد رسول خدا صلی الله علیه و آله آمد و نیاز و

۱- الاصابه، ج ۸، ص ۸۳.

خواسته اش را به عرض حضرت رساند. پس از آنکه حضرت نیازش را برآورده ساخت، از وی درباره چگونگی ارتباطش با همسرش پرسید. زن گفت: کوتاهی نمی کنم مگر آنکه خارج از توان من باشد. پیامبر فرمود: «بنگر که در چه جایگاهی نسبت به همسرت قرار داری که او بهشت و دوزخ توست».(۱)

اطاعت از خواسته های مشروع و منطقی همسر، احترام به او و خواسته هایش و مواردی مانند آن از جمله حقوق مرد بر زن است که پیامبر در گفت وگو با زینب عطّاره، به جزئیات آن اشاره می کند.(۲) همچنین آن حضرت در روایت های مختلف، برخی حقوق زن بر مرد را نیز بیان می کرد تا زوجین با حفظ حدود و حقوق یکدیگر، کانون خانواده را استحکام بخشند و با کمک و هم یاری، با مشکلات و سختی های زندگی مشترک دست و پنجه نرم کنند.

رسول رحمت با رهنمودهای ارزنده خود به زنان آستانه تحمل آنان را بالا می برد. در روایتی آمده است روزی خوله بنت مالک، همسر اوس بن صامت که ظاهراً آیات نخستین سوره مبارکه مجادله درباره وی نازل شده است، نزد پیامبر خدا آمد و از عصبانیت و تندخویی همسرش به ایشان شکایت کرد. آن حضرت با سخن خود، وی را آرام ساخت و فرمود: «ای خوله! پسر عموی

۱- ابن سعد، ج ۸، ص ۴۵۹؛ اسد الغابه، ج ۵، ص ۶۳۷ .

۲- اسدالغابه، ج ۵، ص ۴۳۳؛ الاصابه، ج ۴، ص ۲۷۸.

تو (همسرت) پیرمرد است. درباره او تقوای الهی پیشه کن [پرهیزکار و صبور باش]».(۱)

خشمگینی پیامبر اعظم صلی الله علیه و آله از آزار زنان

خشمگینی پیامبر اعظم صلی الله علیه و آله از آزار زنان

نگرش تحقیرآمیز به زنان و رفتارهای ناشایست با آنان مانند آزار دادن و شکنجه کردن، از ویژگی های عصر جاهلیت بود. با ظهور اسلام و گسترش سطح آگاهی افراد و تبیین مقام انسانی و هویت بخشیدن به زن از سوی اسلام و پیامبر خدا، این شیوه رفتاری تغییر چشم گیری کرد. سیره نبوی بر اساس ارزش بخشی به زنان و مبارزه با هرگونه تبعیض جنسیتی استوار بود. بنا بر قول ابن سعد و دیگر سیره نویسان، پیامبر گرامی اسلام، هرگز زن یا کنیزی را آزار روحی و جسمی نداد و همواره می فرمود: «دوست ندارم مردی را ببینم که رگ های گردن خود را از خشم نسبت به همسرش متورم کرده است و با زنش می جنگد».(۲)

در کتاب های اهل سنّت آمده است ولید بن عقبه، همسرش را کتك می زد. پیامبر از این ماجرا باخبر شد و سه بار از وی خواست این کار زشت را ترک کند، ولی ولید همچنان به آزار و شکنجه همسرش ادامه داد. سرانجام، رسول خدا صلی الله علیه و آله دست های خود را به آسمان بلند کرد و فرمود: «پروردگارا! کار

ص: ۸۹

۱- المسند، ج ۶ ، ص ۴۲۲.

۲- ابن سعد، ج ۸ ، ص ۲۰۴.

ولید را به تو وا می گذارم. او چند مرتبه (دو یا سه مرتبه) از امر من سرپیچی کرد».(۱)

در روایت دیگری آمده است که پیامبر خدا به دلیل اخلاق بد و خشن ثابت بن قیس از وی خواست همسرش، حبیبه بن سهل را طلاق دهد؛ زیرا وی با حبیبه بدرفتاری می کرد و این زن را به شدت کتک می زد.(۲) این ماجرا تنفر و بیزاری حضرت رسول صلی الله علیه و آله را از این کار زشت نشان می دهد.

نقل شده است روزی زینب (حولاء) عطرفروش نزد رسول خدا صلی الله علیه و آلهآمد و از آن حضرت درباره وظایف شوهرش نسبت به خود پرسید. حضرت فرمود:

همسر تو وظیفه دارد از غذایی که می خورد، به تو نیز بدهد و برای تو لباس خوب و مناسب تهیه کند. تو را کتک نزند [و به تو آزار نرساند] و بر سر تو داد و فریاد نیز نزند.(۳)

رسول خدا صلی الله علیه و آله حتی به مردانی که اسلام را نپذیرفته بودند، سفارش می کرد که با زنان خود خوش رفتاری کنند. حوّا، دختر زید بن سکن بن کرز پیش از هجرت به مدینه، مسلمان شده بود، ولی همسرش، قیس بن حطیم همچنان کافر بود و حوا را به سبب مسلمان شدنش آزار می داد. نقل است روزی پیامبر، قیس را به اسلام دعوت کرد، ولی وی نپذیرفت. سپس به او فرمود:

ص: ۹۱

۱- مسند احمد، ج ۱، ص ۱۵۱؛ کنز العمال، ج ۱۳، ص ۶۰۳.
۲- کتاب المسند، ص ۲۶۳؛ ابن سعد، ج ۸، ص ۴۴۵.
۳- اسد الغابه، ج ۵، ص ۴۳۳؛ الاصابه، ج ۴، ص ۲۷۸.

ای ابویزید! به من خبر رسیده از وقتی همسرت حوّا از آیین تو دور شده [و اسلام را پذیرفته است]، با او بدرفتاری می کنی. از خدا بترس و حرمت مرا نگه دار و متعرض همسرت نشو.(۱)

قیس از آن پس به احترام پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله حرمت همسرش را نگاه داشت و حوّا نیز اسلام خود را آشکار کرد. با توجه به چنین روایتی می توان دریافت که خوش رفتاری با زنان و توجه به نیازهای روحی و عاطفی آنان، از نظر رسول خدا صلی الله علیه و آله امری انسانی و فراتر از باورهای دینی است. بر همین اساس، کسانی که از نعمت دین بی بهره هستند، بر اساس تکالیف و وظایف انسانی خویش باید به حقوق متقابل یکدیگر احترام بگذارند و محیط خانواده را مقدس شمارند.

نگرانی پیامبر اعظم صلی الله علیه و آله از بی توجهی به نیازهای روانی زنان

نگرانی پیامبر اعظم صلی الله علیه و آله از بی توجهی به نیازهای روانی زنان

در روایت های بسیاری، درباره نگرانی و ناراحتی پیامبر، از رفتار نادرست مردانی که به ورطه افراط و تفریط، سقوط و به بهانه زهد و ترک لذت های دنیوی، به زنان خود بی توجهی می کردند، سخن به میان آمده است. بی توجهی مردان به نیازهای روانی همسرانشان و نادیده گرفتن آنان همواره برای رسول

۱- ابن سعد، ج ۸، ص ۳۲۳.

اسلام نگران کننده بود. آن حضرت با این گونه رفتارها و افکار ناشایست مبارزه می کرد. نقل شده است روزی عایشه، حوله همسر عثمان بن مظعون را دید که بسیار ژولیده، آشفته و نامرتب بود. علت این حالت را از وی پرسید. حوله از بی توجهی همسرش به زنان و روزه داری روزها و عبادت های شبانه وی به عایشه شکایت کرد. پیامبر از این ماجرا باخبر شد و با ناراحتی نزد عثمان بن مظعون آمد و فرمود:

ای عثمان! خداوند، مرا برای رهبانیت و ترک مواهب دنیا نفرستاده، بلکه برای آوردن دینی آسان و روشی صحیح و بزرگ منشانه مبعوث کرده است. خود من هم روزه می گیرم و هم نماز می خوانم و هم با همسر خویش مباشرت می کنم و [نسبت به خانواده ام] رفتاری مسئولانه دارم. هر کس دین مرا دوست دارد، باید از این شیوه عاقلانه من پیروی کند و از سنت های درست اسلام، نکاح، ازدواج و رسیدگی به مسائل زناشویی است.(۱)

عدالت و مهرورزی پیامبر اعظم صلی الله علیه و آله با همسران

عدالت و مهرورزی پیامبر اعظم صلی الله علیه و آله با همسران

سیره نبوی درباره خانه و خانواده، از مهم ترین بخش های زندگی فردی و اجتماعی آن حضرت است. بررسی شیوه برخورد با همسران و فلسفه هر یک از برخوردهای ویژه پیامبر با آنان، اصل تعدد زوجات و اینکه پیامبر

۱- مسند احمد، ج ۶، ص ۲۲۶.

می تواند بر اساس ویژگی های نبوی، بیشتر از دیگر انسان های عادی همسر برگزیند و مواردی مانند آن، بسیار آموزنده است. بدیهی است پرداختن به همه این بحث ها و تجزیه و تحلیل آنها خارج از مجال و هدف این نوشتار است. ازاین رو، به اختصار، موارد مربوط به بحث را بررسی می کنیم.

رفتار رسول الله صلی الله علیه و آله با همسران خود دور از تبعیض و ظلم بود. رفتار پیامبر با زنانی که پیش از ازدواج با ایشان اسیر بودند، با شیوه رفتاری پیامبر با زنانی که آزاد و از قبایل و خانواده های سرشناس بودند، هیچ گونه تفاوتی نداشت. رسول گرامی اسلام، وقت خود را با عدالت میان همسرانش تقسیم می کرد. بر همین اساس، در کتاب های تاریخی و سیره نبوی، بابی با عنوان «تقسیم اوقات میان همسران»(۱) آمده است. مبنای رفتاری پیامبر اکرم صلی الله علیه و آلهبا همسرانش، بر اساس مهر و عطوفت و زندگی مسالمت آمیز بود. ایشان به شکل های گوناگون از ایجاد تنش میان همسران خود جلوگیری می کرد.

حضرت محمد صلی الله علیه و آله با توجه به کرامت انسانی با همسران خویش رفتار می کرد. ازاین رو، دیده می شود که آن حضرت برای حفظ ارزش و کرامت زنانی که به نوعی ضعیف تر از دیگران بودند، مانند اسیران، کنیزان و کسانی که از طبقه اجتماعی پایین تری بودند، آنان را یاری و حمایت می کرد. برای مثال، به صفیه فرمود در پاسخ به زنانی که وی را با تعبیر «زن یهودی» تحقیر

۱- طبقات الکبری، ج ۸، ص ۱۶۹.

می کردند، بگوید: «پدر من، هارون و عمویم، موسی است».(۱)

در روایت ها آمده است که پیامبر خدا از رفتار یکی از همسرانش که فرد دیگری را تحقیر و مسخره کرده بود، بسیار ناراحت شد و چند روزی از وی دوری کرد تا وی را متوجه رفتار زشتش کند و به وی بفهماند که ارزش انسان ها به نَسَب و حَسَب نیست، بلکه به کرامت و شرافت انسانی آنان است.(۲)

رفتار پیامبر با زنان خود چنان مهرآمیز است که وقتی انجشه ساربان هنگام بازگشت کاروان به مدینه، شترهای حامل زنان را با شتاب به جلو می راند، آن حضرت خود را به ساربان رساند و فرمود: «ای انجشه! در حرکت دادن این شیشه های شکننده [احتیاط را] رعایت کن».(۳)

رسول خدا صلی الله علیه و آله چنان با محبت و نرمی با زنانش رفتار می کرد که خداوند وی را به دلیل این رفتار، عتابی دوستانه می کند و خطاب به رسولش می فرماید:

ای پیامبر! چرا برای خشنودی همسرانت، آنچه را خدای بر تو حلال کرده است، حرام می کنی؟ خداوند، آمرزنده [و] مهربان است. به یقین، خدا برای شما [راه] گشودن سوگندهایتان را مقرر داشته است و خدا سرپرست شماست و اوست دانای حکیم.... (تحریم: ۱ و ۲)

۱- مغازی، ج ۲، ص ۶۷۵.
۲- مسند احمد بن حنبل، ج ۶، ص ۳۳۷.
۳- طبقات الکبری، ج ۸، ص ۴۲۰.

کتاب نامه

کتاب نامه

* قرآن.

* نهج البلاغه.

۱. ابن ابی شیبه الکوفی، المصنف، تحقیق: سعید محمد اللحام، بیروت، دارالفکر، ۱۴۰۹هـ.ق.

۲. ابن ابی عاصم، الآحاد و المثانی، بی جا، دار الدرایه، چاپ اول، ۱۴۱۱ هـ . ق.

۳. ابن اثیر، علی بن ابی اکرم، اسد الغابه، تهران، مؤسسه اسماعیلیان، بی تا.

۴. ابن جوزی، ابوالفرج، صفه الصفوه، بیروت، دارالمعرفه، ۱۴۲۶ ه . ق.

۵. ابن حبان، محمد، صحیح ابن حبان بترتیب ابن بلبان، تحقق، شعیب الانؤوط، مؤسسه الرساله، ۱۴۱۴ ه . ق.

۶. ابن حجر العسقلانی، احمد بن علی، الاصابه فی تمییز الصحابه، بیروت، دارالکتب العلمیه، چاپ اول، ۱۴۱۵ ه . ق.

۷. ________________، فتح الباری فی شرح صحیح البخاری، بیروت، دار المعرفه للطباعه والنشر، بی تا.

۸. ________________، مقدمه فتح الباری فی شرح صحیح البخاری، بیروت، دارالمعرفه للطباعه و النشر، بی تا.

۹. ابن حنبل، احمد، المسند الاحمد، بیروت، دارصادر، بی تا.

۱۰. ابن راهویه، اسحاق، مسند ابن راهویه، مدینه، مکتبه الایمان، چاپ اول، ۱۴۱۲ه . ق.

۱۱. ابن سلامه، محمد، مسند الشهاب، بیروت، مؤسسه الرساله، ۱۴۰۵ ه . ق.

۱۲. ابن شیبه الحرانی، حسین بن علی بن الحسین، تحف العقول عن آل الرسول، قم مؤسسه النشر الاسلامی لجماعه المدرسین، چاپ دوم، ۱۴۰۴ هـ . ق.

۱۳. ابن شهر آشوب، محمد بن علی، مناقب آل ابی طالب، نجف، مطبعه الحیدریه، ۱۳۷۶ه . ق.

۱۴. ابن طاووس، علی بن موسی، طوائف، قم، مطبعه الخیام، چاپ اول، ۱۳۷۱.

۱۵. ابن عبدالبر الاندلسی، الدُرر فی اختصار المغازی و السیر، قاهره، احیاء التراث الاسلامی، ۱۴۱۵ه . ق.

۱۶. ابن کثیر، ابوالفدا، اسماعیل، سیره النبویه، بیروت، دارالمعرفه، چاپ اول، ۱۳۹۶ ه_ . ق.

۱۷. ابن کلبی، هشام بن محمد بن سائب، جمهره النَسَب لابن الکلبی، سوریه، دارالیظه العربیه، ۱۹۳۹ ه . ق.

۱۸. ابن هشام، محمد بن اسحاق، سیره النبی، مکتبه علی محمد صبیح و اولاده، ۱۳۸۳ه .ق.

۱۹. ابوداوود، سلیمان بن اشعث، سنن لابی داوود، بیروت، دارالفکر، ۱۴۱۰ ه_ . ق.

۲۰. ابوشقه، عبد الحلیم، تحریر المرأه فی عهد الرساله، کویت، دارالقلم، چاپ اول، بی تا.

۲۱. ابونعیم اصفهانی، احمد بن عبدالله، معرفه الصحابه، ریاض، دارالوطن للنشر، چاپ اول، ۱۴۱۹، ه . ق.

۲۲. احمدی میانجی، علی، مکاتیب الرسول، قم، دارالحدیث، چاپ اول، ۱۴۱۹ه . ق.

۲۳. الاندلسی، ابن عبد البر، الاستیعاب، بیروت، دارالفکر، ۱۳۸۱ه . ق.

۲۴. البحرانی، سیدهاشم، البرهان فی تفسیر القرآن، تصحیح: محمود جعفر الموسوی الزرندی، قم، مطبعه العلمیه، ۱۳۹۳ه . ق.

۲۵. البخاری، اسماعیل بن ابراهیم، التاریخ الکبیر، دیار بکر، المکتبه الاسلامیه، بی تا.

۲۶. ______________________، الادب المفرد، مؤسسه الکتب الثقافیه، چاپ سوم، ۱۴۰۹ه . ق.

۲۷. ______________________، التاریخ الصغیر، بیروت، دارالمعرفه، چاپ اول، ۱۴۰۶ه . ق.

۲۸. ______________________، صحیح البخاری، بیروت، دارالفکر، ۱۴۰۱ ه . ق.

۲۹. البرقی، احمد بن محمد خالد، المحاسن، ترجمه: جلال الدین حسینی، دارالکتب الاسلامیه، بی تا.

۳۰. العامری، یحیی بن ابی بکر، بهجه المحافل و بغیه الاماثل فی تلخیص المعجزات و السیر و الشمائل، مدینه، محمد سلطان النمنکانی، بی تا.

۳۱. البیهقی، احمد بن حسین، دلائل النبوه و معرفه احوال صاحب الشریعه، بیروت، دارالکتب العلمیه، چاپ اول، ۱۴۰۵ هـ . ق.

۳۲. الجوهری، علی بن الجعد، مسند ابن الجعد، بیروت، دارالکتب العلمیه، بی تا.

۳۳. الحاکم النیسابوری، محمد بن محمد، المستدرک الحاکم، دارالمعرفه، ۱۴۰۶ه . ق.

۳۴. الحمیدی، عبدالله بن زبیر، المسند، تحقیق: حبیب الرحمن العظمی، بیروت، دارالکتب العلمیه، چاپ اول، ۱۴۰۹ ه .ق.

۳۵. الذهبی ،محمد بن احمد، تجرید اسماء الصحابه، بیروت، دارالمعرفه للطباعه و النشر، بی تا.

۳۶. الزیعلی، جمال الدین، نصب الرأیه لاحادیث الهدایه، تحقیق: ایمن صالح شعبانی، قاهره، دارالحدیث، ۱۴۱۵ ه . ق.

۳۷. السیوطی، جلال عبدالرحمن، الدرالمنثور، مکتبه آیت اللّه مرعشی نجفی، ۱۴۰۴ ه . ق.

۳۸. الشافعی محمد بن ادریس، کتاب المسند، بیروت، دارالکتب العلمیه، بی تا.

۳۹. الصالحی الشامی، سبل الهدی، بیروت، دارالکتب العلمیه، ۱۴۱۴ه . ق.

۴۰. الصنعانی، عبدالرزاق، المصنف عبدالرزاق، المجلس العلمی، بی تا.

۴۱. الطباطبایی، سید محمد حسین، المیزان فی تفسیر القرآن، قم، مؤسسه النشر الاسلامی، ۱۴۰۲، ه . ق.

۴۲. الطبرانی، سلیمان بن احمد، المعجم الکبیر، قاهره، مکتبه ابن تیمیه، چاپ دوم، بی تا.

۴۳. الطبرسی، فضل بن الحسن، اعلام الوری با علام الهدی، قم، مؤسسه آل البیت لاحیاء التراث، چاپ اول، ۱۴۱۷ ه . ق.

۴۴. الطبری، محمد بن جریر، تاریخ الامم و الملوک، بیروت، مؤسسه الاعلمی، بی تا.

۴۵. العاملی، جعفر مرتضی، زوجات النبی، بیروت، دارالهادی، چاپ اول، ۱۴۱۷ ه . ق.

۴۶. القزوینی، محمد بن یزید، سنن ابن ماجه، بیروت، دارالفکر، بی تا.

۴۷. القسطلانی، احمد بن محمد، المواهب اللدنیه بالمنح المحمدیه، بیروت، دارالکتب العلمیه، ۱۴۱۶ ه . ق.

۴۸. الکلینی، محمد بن یعقوب، کافی، تحقیق: علی اکبر غفاری، تهران، دار الکتب الاسلامیه، چاپ سوم، ۱۳۸۸ه . ق.

۴۹. المتقی الهندی، علاءالدین، کنز العمال، بیروت، مؤسسه الرساله، بی تا.

۵۰. المزی، ابوالحجاج، یوسف، تهذیب الکمال، مؤسسه الرساله، چاپ اول، ۱۴۱۳ه . ق.

۵۱. المقدسی، عبدالغنی بن عبدالواحد، حدیث الافک و مایلیه من مناقب النساء الصالحات، دارالبشائر، چاپ اول، ۱۹۹۴ م.

۵۲. المقریزی، امتاع الاسماع بما للنبی من الاحوال و الاموال و الحفده و المتاع، مصر، لجنه التألیف و الترجمه و النشر، بی تا.

۵۳. النووی، یحیی بن شرف، ریاض الصالحین، بیروت، دارالکتب العربی، ۱۹۷۳م.

۵۴. النویری، احمد بن عبدالوهاب، نهایه الارب فی فنون الادب، قاهره، دارالکتب المصریه، ۱۹۲۴م.

۵۵. النیشابوری، مسلم بن الحجاج، صحیح مسلم، بیروت، دارالفکر، بی تا.

۵۶. الواقدی، محمد بن عمر، المغازی، نشر دانش اسلامی، ۱۴۰۵ ه .ق.

۵۷. الهیثمی، نورالدین، مجمع الزوائد و منبع الفوائد، بیروت، دارالکتب العلمیه، ۱۴۰۸ ه . ق.

۵۸. الیعقوبی، ابن واضح، تاریخ یعقوبی، قم، مؤسسه نشر فرهنگ اهل بیت علیهم السلام، بی تا.

۵۹. امین، سید محسن، اعیان الشیعه، بیروت، دارالتعارف للمطبوعات، بی تا.

۶۰. بیهقی، احمد بن حسین، سنن الکبری، بیروت، دارالفکر، بی تا.

۶۱. پتروشفسکی، ای. پ، اسلام در ایران، ترجمه: کریم کشاورز، تهران، پیام، چاپ چهارم، ۱۳۵۴.

۶۲. دار القطنی، علی بن عمر، العلل الوارده فی احادیث النبویه، ریاض، دار الطیبه، ۱۴۰۵ هـ . ق.

۶۳. ________________، سنن الدار القطنی، بیروت، دارالکتب العلمیه، چاپ اول، ۱۴۱۷ه . ق.

۶۴. دعبول، رضوان، تراجم اعلام النساء، بیروت، مؤسسه الرساله، ۱۴۱۹ هـ . ق.

۶۵. دیار بکری، حسین بن محمد، تاریخ الخمیس فی احوال انفس النفیس، بیروت، مؤسسه شعبان، بی تا.

۶۶. دیون پورت، جان، عذر تقصیر به پیشگاه محمد صلی الله علیه و آله و قرآن، ترجمه: غلامرضا سعیدی، تهران، شرکت حاج محمد اقبال و شرکاء، چاپ دوم، ۱۳۵۵.

۶۷. ذهبی، شمس الدین محمد، سیر اعلام النبلاء، بیروت، مؤسسه الرساله، چاپ هفتم، ۱۴۱۳ ه . ق.

ص :۹۷

۶۸. زمخشری، محمد بن عمر، الفائق فی غریب الحدیث، بیروت، دارالکتب العلمیه، ۱۴۱۷، ه . ق.

۶۹. شاهین، عبدالصبور و اصلاح عبدالسلام الرفاعی، صحابیات حول الرسول، قاهره، دارالاعتصام، بی تا.

۷۰. شیخ مفید، محمد بن محمد بن نعمان، الارشاد فی معرفه حجج اللّه علی العباد، بیروت، مؤسسه الاعلمی، ۱۳۹۹ ه . ق.

۷۱. طبقات الکبری، بیروت، دارصادر، بی تا.

۷۲. عمادزاده اصفهانی، حقوق زن در اسلام، (زنان پیغمبر اسلام).

۷۳. فوزی زیفا، ابراهیم، احکام الاسره فی الجاهلیه والاسلام، دمشق، دارطلاس، چاپ دوم، ۱۹۹۶.

۷۴. کرکر، عصمه الدّین، المرأه فی العهد النبوی، بیروت، دارالغرب الاسلامی، چاپ اول، ۱۹۹۳.

۷۵. مالک بن انس، الموطأ، بیروت، دار الکتاب العربی، ۱۳۷۷، ه . ق.

۷۶. نسایی، احمد بن شعیب، السنن النسایی، بیروت، دارالفکر، ۱۳۴۷ ه . ق.

ص :۹۸

درباره مرکز

بسمه تعالی

هَلْ يَسْتَوِي الَّذِينَ يَعْلَمُونَ وَالَّذِينَ لَا يَعْلَمُونَ

آیا کسانی که می‌دانند و کسانی که نمی‌دانند یکسانند ؟

سوره زمر/ ۹

مقدمه:

موسسه تحقیقات رایانه ای قائمیه اصفهان، از سال ۱۳۸۵ هـ.ش تحت اشراف حضرت آیت الله حاج سید حسن فقیه امامی (قدس سره الشریف)، با فعالیت خالصانه و شبانه روزی گروهی از نخبگان و فرهیختگان حوزه و دانشگاه، فعالیت خود را در زمینه های مذهبی، فرهنگی و علمی آغاز نموده است.

مرامنامه:

موسسه تحقیقات رایانه ای قائمیه اصفهان در راستای تسهیل و تسریع دسترسی محققین به آثار و ابزار تحقیقاتی در حوزه علوم اسلامی، و با توجه به تعدد و پراکندگی مراکز فعال در این عرصه و منابع متعدد و صعب الوصول، و با نگاهی صرفا علمی و به دور از تعصبات و جریانات اجتماعی، سیاسی، قومی و فردی، بر مبنای اجرای طرحی در قالب « مدیریت آثار تولید شده و انتشار یافته از سوی تمامی مراکز شیعه» تلاش می نماید تا مجموعه ای غنی و سرشار از کتب و مقالات پژوهشی برای متخصصین، و مطالب و مباحثی راهگشا برای فرهیختگان و عموم طبقات مردمی به زبان های مختلف و با فرمت های گوناگون تولید و در فضای مجازی به صورت رایگان در اختیار علاقمندان قرار دهد.

اهداف:

۱.بسط فرهنگ و معارف ناب ثقلین (کتاب الله و اهل البیت علیهم السلام)

۲.تقویت انگیزه عامه مردم بخصوص جوانان نسبت به بررسی دقیق تر مسائل دینی

۳.جایگزین کردن محتوای سودمند به جای مطالب بی محتوا در تلفن های همراه ، تبلت ها، رایانه ها و ...

۴.سرویس دهی به محققین طلاب و دانشجو

۵.گسترش فرهنگ عمومی مطالعه

۶.زمینه سازی جهت تشویق انتشارات و مؤلفین برای دیجیتالی نمودن آثار خود.

سیاست ها:

۱.عمل بر مبنای مجوز های قانونی

۲.ارتباط با مراکز هم سو

۳.پرهیز از موازی کاری

۴.صرفا ارائه محتوای علمی

۵.ذکر منابع نشر

بدیهی است مسئولیت تمامی آثار به عهده ی نویسنده ی آن می باشد .

فعالیت های موسسه :

۱.چاپ و نشر کتاب، جزوه و ماهنامه

۲.برگزاری مسابقات کتابخوانی

۳.تولید نمایشگاه های مجازی: سه بعدی، پانوراما در اماکن مذهبی، گردشگری و...

۴.تولید انیمیشن، بازی های رایانه ای و ...

۵.ایجاد سایت اینترنتی قائمیه به آدرس: www.ghaemiyeh.com

۶.تولید محصولات نمایشی، سخنرانی و...

۷.راه اندازی و پشتیبانی علمی سامانه پاسخ گویی به سوالات شرعی، اخلاقی و اعتقادی

۸.طراحی سیستم های حسابداری، رسانه ساز، موبایل ساز، سامانه خودکار و دستی بلوتوث، وب کیوسک، SMS و...

۹.برگزاری دوره های آموزشی ویژه عموم (مجازی)

۱۰.برگزاری دوره های تربیت مربی (مجازی)

۱۱. تولید هزاران نرم افزار تحقیقاتی قابل اجرا در انواع رایانه، تبلت، تلفن همراه و... در ۸ فرمت جهانی:

۱.JAVA

۲.ANDROID

۳.EPUB

۴.CHM

۵.PDF

۶.HTML

۷.CHM

۸.GHB

و ۴ عدد مارکت با نام بازار کتاب قائمیه نسخه :

۱.ANDROID

۲.IOS

۳.WINDOWS PHONE

۴.WINDOWS

به سه زبان فارسی ، عربی و انگلیسی و قرار دادن بر روی وب سایت موسسه به صورت رایگان .

درپایان :

از مراکز و نهادهایی همچون دفاتر مراجع معظم تقلید و همچنین سازمان ها، نهادها، انتشارات، موسسات، مؤلفین و همه

بزرگوارانی که ما را در دستیابی به این هدف یاری نموده و یا دیتا های خود را در اختیار ما قرار دادند تقدیر و تشکر می نماییم.

آدرس دفتر مرکزی:

اصفهان -خیابان عبدالرزاق - بازارچه حاج محمد جعفر آباده ای - کوچه شهید محمد حسن توکلی -پلاک ۱۲۹/۳۴- طبقه اول

وب سایت: www.ghbook.ir

ایمیل: Info@ghbook.ir

تلفن دفتر مرکزی: ۰۳۱۳۴۴۹۰۱۲۵

دفتر تهران: ۸۸۳۱۸۷۲۲ ـ ۰۲۱

بازرگانی و فروش: ۰۹۱۳۲۰۰۰۱۰۹

امور کاربران: ۰۹۱۳۲۰۰۰۱۰۹